

سال سیزدهم
شماره ۲۳
شنبه
۸ سنبله ۱۳۹۹
۲۹ اگست ۲۰۲۰
قیمت: ۲۰ افغانی

صبح ۸

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

روایتی از پولیس شجاع
و سرقت ناکام طلافروشی
در هرات



۲

چراغ سبز حکومت به رهایی زندانیان طالبان؛

هیأت مذاکره کننده دولت در هفته روان به قطر می رود



دو هفته پس از توقف روند رهایی زندانیان «خطرناک» گروه طالبان، حکومت می گوید این روند را دوباره آغاز می کند. مقامات با توجه به آغاز این روند در هفته روان، می گویند که احتمال دارد مذاکرات بین الافغانی در روزهای آینده در قطر پی گیری شود. منابع آگاه از این روند نیز در گفت و گو با روزنامه ۸صبح تایید می کنند که قرار است هیأت مذاکره کننده دولت در هفته روان به قطر سفر کند. هیأت های مذاکره کننده دو طرف، گفت و گوها را در قطر آغاز می کنند و این روند را در سایر کشورهایی که پیش تر برای میزبانی اعلام آمادگی کرده بودند، ادامه خواهند داد. در حال حاضر تنها ۸۰ زندانی از میان ۴۰۰ زندانی «خطرناک» طالبان از سوی حکومت آزاد شده اند. پیش تر، حکومت گفته بود که هیأت مذاکره کننده گروه طالبان تنها سه روز پس از تکمیل روند رهایی زندانیان شان، به میز مذاکره حاضر خواهند شد.

۶



سیلاب در ۱۴ ولایت؛

هزاران خانواده به کمک فوری نیاز دارند

۳

جایگاه مردم در مذاکرات بین الافغانی کجا است؟

۴

نقش احزاب سیاسی در تحقق دموکراسی در افغانستان

هدف دموکراسی، مردمی ساختن نظام سیاسی است. مردم در دموکراسی اصالت دارد. جوهره دموکراسی مردم است. به همین سبب، در میان دانشمندان علوم سیاسی این اجماع نظر وجود دارد که دموکراسی نظام مردم برای مردم و در خدمت مردم می باشد. از نکته های حایز اهمیت دیگر در مبحث پیوند دموکراسی با احزاب سیاسی، یکی هم این است که تقویت دموکراسی موجب تقویت احزاب و ضعف دموکراسی موجب ضعف احزاب می گردد.

۴



Cricket Sensation Rashid Khan Joins Monster Energy



Rashid Khan; a true cricket super star, one of the world's best bowler, and now Afghanistan's very first Monster Energy athlete.

Originally hailing from Nangarhar, in the east of Afghanistan, 21 year-old Khan has been smashing records since he turned professional cricketer as a teenager. However it has been during the last two seasons, that Khan has really levelled-up on his meteoric rise to becoming the face of the sport in his home country.

At 19 years and 165 days-old, Khan captained the Afghanistan national side during their first fixture in the 2018 Cricket World Cup Qualifiers. In doing so, he became the youngest-ever captain in international cricket history.

Then having just turned 20 - Khan became the youngest player to top the International Cricket Council's Player Rankings in the One Day International league tables. Just a few weeks later, he topped the ICC rankings again - this time for bowlers in Twenty20 international format matches.

If that was not enough, seven months later, Khan then went on to become the top ICC All Rounder following a sensational performance at the Asia Cup - where he netted 10 wickets and 87 runs at an average of 43.50.

To top it all off in October 2019, Khan got his name even further indelibly etched in cricket history with a tally of 176 wickets in international matches - giving him the record of 'Most International Wickets Taken By A Teenager' in the Guinness Book of World Records.

Now a full member of the Monster Energy family, Khan will be unleashing the beast in his trademark technical style on the international cricket scene, when action resumes for the Afghanistan side later this year.

With the ink drying on his fresh contract, Khan said: "I'm incredibly excited to join Monster Energy. Together I will be pushing to break more records and push to new heights."

For more on Rashid Khan head over to his Instagram here: <https://www.instagram.com/rashid.khan19/>

-Ends-

Images:

<https://mm.monsterenergy.com/ExternalLinks/ExternalDownload?mld=ab3a9ad02efd3b471a9463c5ebf226c10d5859d5>

BERNHARD H. MAYER
DEPUIS 1871

ابتدا استاد قدرت
(در قدرت خود ماهر شوید)

POWER MASTER
FIRST
Master Your Own Power

با افتخار ONET به شما ارایه میدهد.

روایتی از پولیس شجاع و سرفت ناکام طلافروشی در هرات



اطلاعات در مورد پروسه صلح صادقانه شریک نمی شود

از هژدهم اسد، زمانی که لویه جرگه مشورتی صلح، رهایی ۴۰۰ زندانی باقی مانده طالبان را تأیید کرد، ۲۰ روز می گذرد. روند گفت و گوهای صلح طی این ۲۰ روز کوچکترین پیشرفتی به همراه نداشته است و حکومت افغانستان و طالبان نیز مردم را به خوبی در جریان دلایل تأخیر در آغاز مذاکرات قرار نداده اند. قرار بود تنها سه روز بعد از رهایی زندانیان باقی مانده طالب، مذاکرات صلح در دوحه پایتخت قطر، میان تیم های مذاکره کننده حکومت و طالبان آغاز شود. حکومت افغانستان در روزهای نخست دلیل تأخیر در آغاز مذاکرات را «عدم رهایی ۱۷ تن از کماندوهای ارتش» توسط طالبان عنوان کرد، اما دیروز حنیف اتمر سرپرست وزارت خارجه افغانستان گفت موضوعاتی که سد راه گفت و گوهای بین الافغانی بودند از میان برداشته شده و همین اکنون بیش از هر زمان دیگری فرصت مذاکرات فراهم شده است. یک روز پیش از اظهارات سرپرست وزارت خارجه، عبدالله عبدالله رییس شورای عالی مصالحه نیز گفت به جرأت می تواند بگوید که مذاکرات بین الافغانی در هفته پیش رو (هفته جاری) آغاز می شود. در این میان نه آقای عبدالله و نه آقای اتمر، دلایل تأخیر در آغاز گفت و گوها را واضح نساختند. آنان تشریح نکردند که چه مانع جدی ای باعث شد که مذاکرات صلح ۲۰ روز به تعویق بیفتند. آن ها هرگز واضح نساختند که سرنوشت ۱۷ سرباز کماندوی ارتش زد طالبان قبلاً گفته بودند، هیچ زندانی ای از حکومت نزد طالبان باقی نمانده است. آن ها حتا ادعا کرده بودند که حکومت افغانستان یک فهرست نامنظم و نامشخص را در اختیار این گروه قرار داده است. طالبان گفته بودند که حتا کسانی که در جنگ کشته شدند، نیز شامل این فهرست هستند. طالبان گفته بودند که برخی از افسران حکومت که در جنگ با داعش کشته شده اند، نیز در میان این فهرست است. طالبان حتا ادعا کرده بودند که حکومت افغانستان نه شمار اسیرانش را می داند و نه هم در مورد زنده بودن و یا کشته شدن شماری از افراد خود آگاهی دارد. حکومت هیچ گاه به این ادعای طالبان پاسخ نداد و مردم را در روشنایی چگونه گی وضعیت سربازانی که در اسارت طالبان بودند، قرار نداده است.

به هر حال، ناروشن بودن سرنوشت شماری از سربازان حکومت، ظاهراً تنها چالش پیش روی آغاز مذاکرات بین الافغانی نبوده است. چندی پیش کشورهای فرانسه و استرالیا از حکومت افغانستان تقاضا کردند که قاتلان سربازان این کشورها را آزاد نکند. آیا این مشکل از میان برداشته شده است؟ مردم حق دارند در مورد دادوستدهایی که در مسیر آمدن صلح به افغانستان صورت می گیرد با خبر شوند. رییس جمهور غنی در هر سخنرانی اش از مردم می پرسد «از میان شما و خانواده های شما کسی وجود دارد که قربانی ترور و وحشت سال های اخیر نشده باشد؟» وقتی حکومت می داند که قربانی اصلی خشونت های چند دهه اخیر، مردم افغانستان استند، چه دلیلی وجود دارد که قربانیان جنگ از دادوستدها در مسیر صلح، بی خبر بمانند؟

علاوه بر حکومت، طالبان نیز باید با مردم افغانستان واضح و روشن صحبت کنند. آنان باید وضاحت بدهند که چرا با وصف تأیید آغاز مذاکرات صلح در این هفته، هم چنان به کشتار، جنگ و خشونت دوام می دهند. آن ها باید توضیح دهند که بر اساس کدام منطق، ۱۳ غیر نظامی عضو یک خانواده را در قندهار از بین بردند. طالبان باید واضح سازند که چه وجه مشترکی میان کشتن مردم و رفتن به پای میز مذاکرات وجود دارد؟

واقعیت این است که استراتژی جنگ در افغانستان، نشست در قطر قابل قبول مردم افغانستان نیست. مردم صلح صادقانه می خواهند. کافی است سری به شبکه های اجتماعی بزنید تا به دیدگاه های شهروندان افغانستان در مورد صلح و روندی که جریان دارد آگاه شوید. کم تر شهروندی باورمند است که حکومت با هم توافق می رسند. ناامیدی مردم افغانستان دو دلیل عمده دارد. دلیل اول، عدم رفتاری که نشان دهنده تمایل حکومت و طالبان به ویژه طالبان به صلح باشد و دوم اطلاعات ناکافی ای که از این روند به دسترس شهروندان قرار داده می شود.

طالبان که پس از تفاهم با ایالات متحده تصمیم دارند، چهره ی مخدوش شده خود را ترمیم سازند، اساساً باید برای عبور از این همه چالش، به مردم رجوع کنند. مردم افغانستان همان کسانی هستند که در لویه جرگه مشورتی صلح، رهایی ۴۰۰ زندانی به شدت خطرناک طالبان را هم تأیید کردند. مردمی که این همه رأفت، عطوفت و مهربانی را صرف در جهت رسیدن به صلح به همراه دارند، سزاوار کشته شدن نیستند. طالبان اگر در مورد حادثه دیروز قندهار به مردم وضاحت ندهند، هم چنان به عنوان یک گروه جنگ طلب، ضد صلح و آشوب گر ثبت اذهان مردم و تاریخ خواهند شد.



محمد سن نیک نواه

ساعت یک چاشت روز پنجشنبه است و اسحاق همراه، افسر مدیریت حقوق فرماندهی پولیس هرات، با ختم رسمیات اداری از فرماندهی پولیس، به سمت خانهاش حرکت می کند تا دیدار با خانواده، خسته گی یک هفته کار را از تنش بدر کند.

با موتر پولیس به چند متری خانهاش در منطقه ی «پل رنگینه» می رسد، اما نمی داند که هرگز به خانه نمی رسد و صبح آن روز وقتی هنگام رفتن به وظیفه با خانواده خداحافظی کرد، آخرین دیدار و آخرین وداع بود. در نزدیکی خانه ی او، چند دکان طلافروشی موقعیت دارد که سه دزد مسلح، درست چند دقیقه پیش از این که وی به محل برسد، وارد یکی از دکان ها شدند و مقداری طلا را سرقت کردند. اسحاق، بی خبر از این که دزدان مسلح داخل زرگری هستند، در مسیر خانهاش روان است.

وقتی دزدان با سرقت طلاها و درگیری با مالک زرگری از دکان خارج می شوند و قصد فرار دارند، این افسر پولیس اتفاقی به محل می رسد و دزدان با شلیک چند گلوله بر موترش، هشدار می دهند اجازه دهد محل را ترک کنند.

در میان رگبار گلوله ها، که چند تایی آن به بدنه ی موتر پولیس می خورد، پیش از آن که اسحاق سلاح به دست بگیرد و مردان تفنگدار را هدف قرار دهد، گلوله ای به سرش می خورد و همان لحظه جان می دهد.

در جریان درگیری با سارقان طلافروشی، یکی از آن ها زخمی می شود و مردان مسلح با آشفته گی از محل فرار می کنند و همکار زخمی شان و طلاهایی که از طلافروشی سرقت کرده اند را با خود می برند.

به روایت بصیر احمد، از شاهدان رویداد، برنامهریزی دزدی از طلافروشی تا آخرین لحظه با موفقیت انجام می شود، اما حضور ناگهانی افسر پولیس وظیفه شناس، سبب ناکامی آن شد. پس از شلیک به پولیس، سه دزد تفنگدار با یک موترسایکل از محل فرار می کنند.

درگیری اسحاق با آنان، فرار را برای شان دشوار می کند و نیروهای پولیس حوزه ششم امنیتی هرات و کارمندان ریاست امنیت ملی، با تعقیب مردان سارق، کمی دورتر از زرگری با آن ها درگیر می شوند و هر سه سارق پس از زدوخورد مسلحانه کشته می شوند.

یکروز پس از این رویداد، برای گفت و گو با اعضای خانواده ی پولیس جوانی که با شجاعت خود سبب ناکامی دزدان طلافروشی شد، به خانه ی او در منطقه ی «پل رنگینه» رفتیم. یافتن نشانی خانه این مرد دشوار نبود، تمام ساکنان محل از حادثه روز قبل خبر بودند و نشانی منزل او را می دانستند.

وقتی نزدیک خانه شدم، یک موتر «رنجر»

و یک آمبولانس پولیس هم رسیدند. پیکر اسحاق، داخل تابوتی چوبی که با پرچم کشور مزین شده بود، قرار داشت. مردم محل برای وداع با او گرد آمده بودند و عکس های روی شیشه های دکان ها و موترها نصب شده بود.

سراغ وابسته گان و برادران این مرد را گرفتم و افرادی که در محل بودند، مرا به مسجد کوچکی که نزدیک خانهاش موقعیت داشت، راهنمایی کردند. تا رسیدنم به مسجد، تابوت هم وارد شده بود و اقارب افسر پولیس به همراه برادر و سه کودک خردسالش دور آن حلقه زده بودند.

میرویس، پسر بزرگ اسحاق، در غم از دست دادن پدر گریه می کرد و به سختی توانست چند کلمه ای با من صحبت کند. با گوشه ی آستین پیراهن، اشک های روی صورتش را پاک کرد و با صدایی لرزان گفت، می خواهد در آینده مکتب را تمام کند و راه پدرش را ادامه دهد.

تمام دل خوشی میرویس و خانواده اش این بود که دزدان تفنگدار چند دقیقه پس از قتل پدرش کشته شدند و انتقام خون اسحاق گرفته شد، اما خواست شان از مقام های امنیتی این بود که با تمام دزدان مسلح و کسانی که آرامش مردم را برهم می زنند، برخورد شود.

جاوید، برادر اسحاق، که در نبود برادر تلاش می کرد برادرزاده هایش را آرام کند، برایم قصه کرد، پدرش که او هم نظامی بود، سال گذشته به دنبال وقوع یک انفجار در هرات جان باخت و حالا برادرش کشته شد.

از اسحاق، سه پسر و دو دختر باقی مانده است؛ نگرانی اصلی بازمانده گان او، آینده کودکش است و این که آن ها چگونه می توانند در نبود سایه ی پدر، درس و مکتب را ادامه دهند. اوزیر، فرزند کوچک اسحاق، که هنوز غرق دنیای شیرین کودکی است، بیماری «سوراخ قلب» دارد و پدرش به دلیل مشکلات مالی، نتوانست او را درمان کند.

به گفته ی احمدشاه، وکیل گذر پل رنگینه، این افسر وضعیت اقتصادی نامناسبی داشت و با معاش ماهوار پولیس، چرخ زنده گی اش با دشواری می چرخید. غلامسخی، از وابسته گان اسحاق، بزرگترین نگرانی آرزوی او را، درمان بیماری سوراخ قلب اوزیر و ادامه تحصیل دیگر فرزندانش می داند.

وقتی با پایان گفت و گو از مسجد خارج شدم، پیکر اسحاق بر دوش وابسته گانش برای آخرین بار به خانه ی کوچک و فقیرانه اش برده شد، با رسیدن تابوت به خانه، صدای گریه و ناله ی زنان سوگوار بلند شد که منتظر آخرین دیدار با این پیکر وی بودند.

در روزهایی که هراتیان از افزایش جرایم جنایی، دزدی های مسلحانه و آدمربایی رنج می برند، اسحاق، با شجاعت جانش را برای حفاظت از مال شهروندان فدا کرد و نشان داد هنوز انسانیت، ایثار و فداکاری برای دیگران، در شلوغی خیابان های هرات دفن نشده و زنده است.

افغانستان و اوزبیکستان روی امضای قرارداد ۱۰ ساله انتقال برق توافق کردند

۸صبح، کابل: وزارت خارجه اعلام کرد که با اوزبیکستان روی امضای قرارداد ۱۰ ساله انتقال برق توافق کرده است. این توافق طی سفر هیأتی از مقام های افغان به این کشور انجام شده است.

هیأت دولتی به ریاست محمدحنیف اتمر، سرپرست وزارت امور خارجه روز جمعه، هفتم سنبله به تاشکند رفته است.

این هیأت با عبدالعزیز کاملوف، وزیر امور خارجه اوزبیکستان، ملاقات کرده است.

وزارت خارجه می گوید که گفت و گو در «فضای اعتماد، سطح بلند تفاهم و درک عمیق متقابل» انجام شده است.

براساس اعلام وزارت خارجه، دو جانب روی امضای قرارداد انتقال برق میان شرکت برشنا و وزارت انرژی اوزبیکستان و هم چنان گسترش همکاری ها در عرصه های تجارت و ترانسپورت به توافق رسیده اند.

افزون بر این، به گفته وزارت خارجه، دو طرف در مورد اهمیت صلح و نقش اوزبیکستان در تامین صلح و اجماع منطقه ای بحث و تبادل نظر کرده اند.

در خبرنامه وزارت خارجه آمده است که کاملوف گفته است: «امیدواریم که این سفر تاریخی همکاری های سیاسی و اقتصادی دو کشور را ارتقاء داده و روابط ما را در زمینه های تجارت، ترانسپورت، انتقال برق و انرژی بیش تر از پیش گسترش دهد.»

او هم چنان از روند صلح افغانستان اعلام حمایت کرده و گفته است که انتظار دارد که مذاکرات بین الافغانی هرچه زودتر آغاز شود.

حنیف اتمر در این دیدار، در مورد لزوم آغاز زود هنگام مذاکرات صلح، حفظ نظام جمهوری و دست آوردهای ۱۹ سال گذشته به منظور تامین صلح پایدار به آقای کاملوف معلومات داده است.

سرپرست وزارت خارجه گفته است که افغانستان اراده قوی برای تقویت و گسترش روابط با اوزبیکستان دارد و خواهان ارتقای روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با این کشور است.

در این سفر، سرپرست وزارت امور خارجه را محمدشاکر کارگر رییس دفتر ریاست جمهوری، یم شمس سرپرست وزارت ترانسپورت و فواید عامه، عبدالکریم ملک یار معین و سرپرست وزارت صنعت و تجارت، احمد داوود نوری، رییس شرکت برشنا، اجمل احمدی، سرپرست بانک مرکزی و عبدالباری صدیقی، رییس خط آهن همراهی می کنند.

پولیس کابل از قاچاق ۱۸ کیلوگرام طلا به خارج کشور جلوگیری کرد

۸صبح کابل: وزارت امور داخله می گوید که سه تن را به ظن قاچاق ۱۸ کیلوگرام طلا در کابل بازداشت کرده است.

طارق آرین، سخنگوی این وزارت روز جمعه، هفتم سنبله به روزنامه ۸صبح گفت که پولیس این مقدار از طلا را در میدان هوایی بین المللی حامد کرزی ضبط کرده است و سه تن نیز در پیوند به آن بازداشت شدند.

به گفته آقای آرین، این قاچاقبران از سوی منسوبان پولیس مبارزه با مواد مخدر زمانی بازداشت شدند که می خواستند این مقدار از طلا را به گونه غیرقانونی به خارج از کشور قاچاق کنند.

گفتنی است که بر اساس معلومات اداره هوانوردی ملکی، کارمندان این اداره پیش تر موفق شده بودند که پنج کیلوگرام طلا را در میدان بین المللی حامد کرزی، ۸۰۱ گرم طلا را در میدان هوایی مولانا جلال الدین محمد بلخی، ۷۴۴ گرم طلا را در میدان هوایی احمدشاه بابا و ۳۷ گرم طلا را در میدان هوایی هرات تنها در جریان سال روان ضبط کند.

سیلاب در ۱۴ ولایت؛

هزاران خانواده به کمک فوری نیاز دارند

سخنگوی وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث گفت که در ولایت پروان ۱۱۰ نفر کشته و ۱۰۰ زخمی، در کابل ۱۹ نفر، در کاپیسا ۲۰ نفر، در میدان وردک هشت نفر، در پنجشیر سه نفر، در ننگرهار دو نفر و در ولایت پکتیا یک نفر در سیلابها جان باخته‌اند. در هفت ولایت دیگر تلفات جانی نداشته اما خسارات مالی زیاد به باشندگان آن وارد شده است.



ترپال، کمپل، کیت آشپزخانه و کیت حفظالصحه و هم‌چنان مواد غذایی شامل آرد، برنج و روغن توزیع شده است.

لوگر؛ بیش از ۷۰۰ فامیل متضرر شده است.

ولایت لوگر در جنوب افغانستان نیز در سه روز گذشته شاهد ریزش باران و جاری شدن سیلاب بود. در این ولایت هر چند سیلاب تلفات جانی در پی نداشته اما خسارات هنگفتی مالی به باشندگان آن وارد کرده است. مطیع‌الله احمدزی، رییس کمیته مبارزه با حوادث ولایت لوگر در صحبت با ۸ صبح گفت که ولسوالی‌های محمدآغه، برکی برک، پل علم و خوشی گواه ریزش باران و جاری شدن سیلاب بوده است. در این ولسوالی‌ها بیش از ۷۰۰ فامیل متضرر شده است. علاوه بر این وی افزود که در اثر جاری شدن سیلاب پنج هزار هکتار زمین و دوهزار خانه تخریب شده است. وی بیان داشت که برای سیلاب‌زده‌گان کمک‌های مواد غذایی شامل آرد، برنج و روغن و مواد غیر غذایی شامل کمپل و خیمه توزیع شده است.

میدان‌وردک؛ هفت کشته، ۳۰ زخمی و سه کودک مفقود است

در چهار روز گذشته ولایت میدان‌وردک نیز گواه ریزش سنگین باران و جاری شدن سیلاب بوده است. شریف‌الله هوتک، عضو شورای ولایتی میدان‌وردک این سیلاب‌ها در ولسوالی‌های نرخ، جلریز، دایمیرداد، چک، جلگه، جیغتو و سیدآباد جاری شده است. بر اساس گفته‌های آقای هوتک در اثر جار شدن سیلاب هفت نفر کشته، ۳۰ تن زخمی و سه کودک مفقود شده است. او تصریح کرد این سیلاب‌ها خسارات هنگفت مالی نیز به جا گذاشته است به گفته او در اثر جاری شدن سیلاب در این ولایت ۶۱۹ خانه، هزاران جریب زمین زراعتی و صدها درخت تخریب شده است.

با این همه وی از نرسیدن کمک به این ولایت انتقاد کرد. او گفت که تا کنون وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث هیچ کمکی به این ولایت نفرستاده است. وی افزود که اکنون مردم با کمبود مواد خوارک، جای و آب آشامیدنی مواجه‌اند.

این در حالی است که سخنگوی وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث از روند انتقال کمک‌ها به تمام ولایت‌ها سیلاب‌زده خبر داده است. احمد تمیم عظیمی گفته است که روند انتقال کمک‌های مواد غذایی و غیر غذایی به تمام ولایت آغاز شده و رهبری این کمک‌ها را کمیته‌ها مبارزه با حوادث ولایت به عهده دارد. او اطمینان داد که کمک‌ها به تمام متضرران خواهد رسید.

هم‌چنان جاری شدن سیلاب و تلفات جانی برخواسته از آن سبب شده است که کمپین‌های متعدد برای کمک به آسیب‌دیده‌گان شکل بگیرد. تاکنون تعداد زیادی بنیادهای خیریه مواد غذایی و غیرغذایی به این آسیب‌دیده‌گان تدارک دیده شده است.

وی تصریح کرد که برای سیلاب‌زده‌گان حدود هفت میلیون افغانی نیز کمک شده است. هم‌زمان با این سخنگوی این وزارت افزود که به تمامی کمیته‌های مبارزه با حوادث ولایت‌های لوگر، کنر، میدان‌وردک، ننگرهار و غزنی هدایت داده تا از بودجه اضطرار برای سیلاب‌زده‌گان کمک کنند.

قیس قادری، سخنگوی والی ولایت کاپیسا در صحبت با ۸ صبح گفت که در اثر ریزش باران و جاری شدن سیلاب ۲۵۰ منزل مسکونی به گونه قسمی و کلی تخریب شده است. او یاد آورد شد که این سیلاب‌ها در ولسوالی‌های حصه‌ی اول کوهستان، حصه‌ی دوم کوهستان، نجراب و مرکز و ولسوالی کوه‌بند جاری شده است. به گفته وی در پی ریزش باران و جاری شدن سیلاب در این ولسوالی‌ها ۲۵ تن کشته و ۲۳ نفر دیگر زخمی شده‌اند. هم‌چنان وی افزود که سیلاب‌ها هزاران جریب زمین و صدها اصله درخت را نیز از بین برده است. سخنگوی والی بیان داشت که هنوز آمار نهایی نیست و یک تیم در حالی سروی مناطق آسیب‌پذیر اند. او گفت که ممکن است بیش‌تر از این زمین‌های زراعتی و درخت‌ها تخریب شده باشد.

با این همه وی خاطر نشان کرد که وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث طبیعی کمک‌های مواد غذایی و غیرغذایی به این ولایت فرستاده است. او گفت که از این کمک‌ها برای ۵ هزار خانواده توزیع شده است. این کمک‌ها شامل آرد، برنج، روغن، لوبیا و چای بوده است. در کنار این قادری تصریح کرد که وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث طبیعی حدود هفت میلیون افغانی نیز کمک شده است. پنجشیر در همسایه‌گی کاپیسا و پروان نیز شاهد ریزش باران و جاری شدن سیلاب بود. در این ولایت سه تن در اثر جاری شدن سیلاب کشته و دو نفر دیگر زخمی شده است. منصور عنابی، سخنگوی والی این ولایت به ۸ صبح گفت که در اثر جاری شدن سیلاب ۲۸ منزل، ۱۴ کانتیر، ۱۰ موتر، هزاران درخت، چهار پول موتر رو، ۲۴ پلچک، صدها راس حیوان، ۹۸ کانال زراعتی، ۷۵ متر دیوار استنادی، ۱۸ کیلومتر سرک تخریب شده است. علاوه بر این وی افزود که صدها فامیل نیز متضرر شده‌اند. آقای عنابی بیان کرد که وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث طبیعی برای سیلاب‌زده‌گان مواد خوراکی و غیرخوراکی شامل کمپل، خیمه و پول نقد کمک کرده است.

کابل؛ ۱۸ تن کشته و ده تن زخمی شده است

ولسوالی سروبی کابل نیز از خشم آفات طبیعی در امان نمانده است و این ولسوالی شاهد ریزش باران و جاری شدن سیلاب بود. بر اساس معلومات دفتر مطبوعاتی ولایت کابل ۱۸ تن در اثر جاری شدن سیلاب جان‌های‌شان را از دست داده‌اند و ده‌ها تن دیگر زخمی شده‌اند. والی کابل گفته است که برای آسیب‌دیده‌گان این رویداد کمک‌ها مواد غذایی و غیر غذایی توزیع کرده‌اند. بر اساس معلومات وی برای ۱۵۰ خانواده‌ای متضرر ۶۰ عدد خیمه،

که بیش‌ترین تلفات ناشی از سیل در ولایت پروان وارد شده است. طبق معلومات احمدتمیم عظیمی، در ولسوالی‌های چاریکار، سیاه‌گرد و شینواری سیلاب جاری شده و تلفات سنگین بر مردم وارد کرده است. این وزارت تصریح می‌کند که به بیش از چهار هزار خانواده در این ولایت زیان وارد شده است. آقای عظیمی گفت که در نخستین روز جاری شدن سیلاب‌ها، وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث به کمک این ولایت شتافت و به آسیب‌دیده‌گان کمک‌های مواد غذایی و غیر غذایی رسانده است. سخنگوی این وزارت بیان داشت که در حال حاضر نیز روند توزیع مواد غذایی و غیر غذایی به بیش از یک‌هزار و ۱۰۰ خانواده آغاز شده و این وزارت تلاش دارد که به تمامی آسیب‌دیده‌گان کمک توزیع کند. با این حال، از این میان خانواده‌های بی‌جا شده و نیازمند، ۶۰۰ خانواده آن در ولسوالی‌های سیاه‌گرد و شینواری انتقال داده شده‌اند و متباقی نیز در شهر چاریکار جابه‌جا شده‌اند. پیش‌تر وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث با وزارت معارف تفاهم کرده است که تا زمان عادی شدن اوضاع، ساختمان‌های مکاتب را در اختیار این وزارت قرار دهد تا بی‌جاشده‌گان سیلاب در آن جابه‌جا شوند.

اخیراً وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث گفته است که جاری شدن سیلاب در ولایت پروان خسارات هنگفت مالی نیز وارد کرده است. بر اساس معلومات این وزارت، جاری شدن سیلاب در این ولایت بیش از دو هزار منزل مسکونی، صدها جریب زمین و صدها متر سرک را تخریب کرده است. از جانب دیگر احمدتمیم عظیمی خاطر نشان کرد که عملیات نجات در ولایت پروان هنوز جریان دارد. او گفت که شماری از جسد‌ها تا کنون زیر آوارها مانده‌اند و تلاش می‌شود که این اجساد از زیر آوار بیرون کشیده شود. به گفته او، وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث ۱۰ اسکواتور و وزارت دفاع ملی حدود شش اسکواتور در اختیار مردم گذاشته‌اند تا با استفاده از آن‌ها، بتوانند گیرمانده‌گان را از زیر آوار بیرون بکشند. گفتنی است که ولایت پروان پس از نیمه‌های شب چهارشنبه، ۵ سنبله شاهد باریدن شدید باران بود که به سیلاب‌های مدهش انجامید و خساره‌های هنگفتی بر باشندگان این ولایت وارد کرد.

کاپیسا؛ ۲۵ نفر کشته و ۲۳ نفر زخمی شده‌اند

در همین حال ولایت کاپیسا نیز شاهد ریزش باران و جاری شدن سیلاب بود. طبق معلومات سخنگوی وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث، جاری شدن سیلاب در ولایت کاپیسا نیز خسارات هنگفت جانی و مالی وارد کرده است. به گفته عظیمی، جاری شدن سیلاب در این ولایت ۲۰ کشته برجای گذاشته است. هم‌چنان ۵ هزار خانواده متضرر شده که وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث توانسته است کمک‌های مواد غذایی و غیرغذایی به این آسیب‌دیده‌گان برساند. هم‌چنان

ریزش باران و جاری شدن سیلاب‌های مدهش ناشی از آن در ۱۴ ولایت، خسارات هنگفت مالی و جانی به شهروندان وارد کرده است. بر اساس معلومات وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث،



عبدالحمید حسینی

در پی جاری شدن سیلاب در ولایت‌های پروان، پنجشیر، کاپیسا، میدان‌وردک، ننگرهار و پکتیا بیش از ۱۶۰ تن جان باخته و ۲۵۰ تن دیگر زخمی شده‌اند. مسوولان در این وزارت می‌افزایند جست‌وجوها برای یافتن جسد‌ها هنوز جریان دارد و ممکن است که این آمار تغییر کند. با این حال این سیلاب‌ها گر چند در سایر ولایات تلفات جانی به دنبال نداشته، اما هزاران جریب زمین، هزاران درخت، هزاران منزل مسکونی و صدها حیوان را از بین برده است. مقامات تصریح می‌کنند که این وزارت در صدد رساندن کمک به سیلاب‌زده‌گان است و برای شماری از خانواده‌های متضرر کمک‌های مواد غذایی و غیرغذایی توزیع کرده است. در همین حال مقام‌های محلی در برخی از ولایات‌ها شکایت دارند که هنوز از سوی وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث کمک دریافت نکرده و مردم مجبور شده‌اند که نان‌شان را با سیلاب‌زده‌گان تقسیم کنند. مقام‌های محلی در این ولایات‌ها تصریح می‌کنند که آسیب‌دیده‌گان ناشی از سیلاب به کمک فوری نیاز دارند. این در حالی است که شماری از نهادهای خصوصی در کنار نهادهای دولتی برای کمک به آسیب‌دیده‌گان اعلام آماده‌گی کرده‌اند.

احمدتمیم عظیمی، سخنگوی وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث، روز جمعه، هفتم سنبله، در صحبت با ۸ صبح گفت که ریزش باران‌های شدید در ولایت‌های کابل، پروان، کاپیسا، پنجشیر، لوگر، میدان‌وردک، ننگرهار، پکتیا، پکتیکا، غزنی، لغمان و خوست، سبب جاری شدن سیلاب شده است. به گفته او ریزش باران و جاری سیلاب‌های مدهش ناشی از آن در این ولایات‌ها سبب خسارات هنگفت مالی و جانی شده است. بر اساس گفته‌های وی، در اثر جاری شدن سیلاب در این ولایات‌ها تا اکنون ۱۶۰ تن جان باخته و ۲۵۰ تن دیگر زخمی شده‌اند. عملیات نجات هنوز هم جریان دارد و ممکن است که با بیرون کشیدن اجساد، شمار تلفات بیش‌تر شود.

سخنگوی وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث گفت که در ولایت پروان ۱۱۰ نفر کشته و ۱۰۰ زخمی، در کابل ۱۹ نفر، در کاپیسا ۲۰ نفر، در میدان‌وردک هشت نفر، در پنجشیر سه نفر، در ننگرهار دو نفر و در ولایت پکتیا یک نفر در سیلاب‌ها جان باخته‌اند. در هفت ولایت دیگر تلفات جانی نداشته اما خسارات مالی زیاد به باشندگان آن وارد شده است.

سیلاب در پروان؛ ۱۱۰ جان باخته و ۱۰۰ زخمی
وزارت دولت در امور رسیدهگی به حوادث می‌گوید

نقش احزاب سیاسی در تحقق دموکراسی در افغانستان



در این نوشته، به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که احزاب سیاسی چه نقشی در تحقق دموکراسی در افغانستان دارند؟ اساساً میان احزاب سیاسی و مسأله دموکراسی پیوند دیرینه‌ای وجود دارد. رابطه احزاب جدید با نظام دموکراسی امری است آشکار، چنان‌که ماکس وبر احزاب جدید را فرزندان دموکراسی می‌نامد. وجود، تعدد و فعالیت آزادانه و مسوولانه احزاب سیاسی، یکی از اصول پذیرفته شده هم‌ی مدل‌های دموکراسی در جهان کنونی می‌باشد. در واقع بدون احزاب سیاسی، دموکراسی نماینده‌گی در دولت نو غیر ممکن خواهد بود. دموکراسی بدون حزب مانند قایق بی‌پارو، یا کشتی بی‌ناخدا است.

هدف دموکراسی، مردمی ساختن نظام سیاسی است. مردم در دموکراسی اصالت دارد. جوهره دموکراسی مردم است. به همین سبب، در میان دانشمندان علوم سیاسی این اجماع نظر وجود دارد که دموکراسی نظام مردم، برای مردم و در خدمت مردم می‌باشد. از نکته‌های حایز اهمیت دیگر در مبحث پیوند دموکراسی با احزاب سیاسی، یکی هم این است که تقویت دموکراسی موجب تقویت احزاب و ضعف دموکراسی موجب ضعف احزاب می‌گردد. در واقع حزب سیاسی، چرخ دنده ماشین دموکراسی است.

در همه‌ی کشورهای دموکراتیک جهان به ویژه کشورهای اروپای غربی که ابتدا دموکراسی در آن‌جا نهادینه شد و به توسعه سیاسی دست یافته است، احزاب سیاسی نقش مهمی بازی کرده‌اند. با این وصف، قدمت احزاب سیاسی جدید که در ریشه‌دار شدن دموکراسی در اروپای غربی نقش مهم بازی کرده‌اند، تنها به یکی دو قرن اخیر بر می‌گردد. با این حساب می‌توان گفت که احزاب سیاسی پس از شکل‌گیری دولت مدرن در قرن هفدهم میلادی در اروپا، موفق گردیدند دولت‌های مطلق و پادشاهی نو را به دولت‌های دموکراتیک تبدیل نمایند. بنابر این، احزاب سیاسی مهم‌ترین ابزار تحقق و حفظ دموکراسی در دو قرن گذشته در اروپا بوده است. علاوه بر کشورهای اروپایی، همین موضوع کم و بیش با اندک تفاوت‌های در باره ایالات متحده آمریکا، کانادا، جاپان، هند و برخی از کشورهای دیگر جهان که به دموکراسی دست یافته است نیز مصداق دارد، تاکنون هیچ کشوری را نمی‌توان سراغ داشت که بدون

حضور احزاب سیاسی به تحقق و ثبات دموکراسی دست یافته باشد. بدون تردید افغانستان هم که پس از سقوط رژیم طالبان (۲۰۰۱ میلادی) برای چهارمین بار گذار به دموکراسی را آغاز کرده است و تا رسیدن به مرحله ثبات و تحقق دموکراسی هم راه درازی در پیش دارد، به احزاب سیاسی مدرن که با شرایط عینی داخلی و خارجی سازگاری داشته باشد، نیاز جدی دارد. روی هم رفته، با در نظر داشت واقعیت‌های کنونی جامعه، نقش‌ها و کارویژه‌های آشکار زیر را برای تحقق دموکراسی از طریق احزاب سیاسی در افغانستان برشمرد:

۱- معرفی، حفظ و دفاع از ارزش‌های دموکراتیک: دموکراسی در افغانستان به درستی شناخته نشده است. بدون تردید شناخت کافی از دموکراسی در افغانستان در نزد بیشتر مردم وجود ندارد. احزاب سیاسی می‌توانند در معرفی ابعاد ناشناخته‌شده دموکراسی برای مردم از طریق رسانه‌های جمعی، برگزاری سمینارها، نشر کتب، جراید، برگزاری مظاهره‌های مسالمت‌آمیز نقش ایفا نموده و از ارزش‌های دموکراتیک دفاع مشروع کنند.

۲- حضور مؤثر و مسوولانه در انتخابات‌ها و فرایندهای انتقال قدرت: انتخابات مهم‌ترین ابزار برای انتقال و گردش قدرت در جوامع انسانی است. انتخابات

برای احزاب سیاسی یک فرصت بزرگ است تا برای تصاحب قدرت از راه‌های مسالمت آمیز و با تکیه به آرای واقعی مردم تلاش کنند. احزاب سیاسی با حضور مسوولانه در این فرایند دموکراتیک که برای تقویت و نهادینه‌شدن ارزش‌های دموکراتیک خیلی مؤثر بوده و می‌باشد، می‌توانند در نهادینه‌شدن فرهنگ انتخابات در افغانستان مؤثر واقع گردند و کمک مهم در برگزاری شفاف انتخابات کنند.

۳- ترغیب مردم برای مشارکت در پروسه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی: در نظام‌های دموکراتیک، مردم تصمیم‌گیرنده اصلی می‌باشند. مردم در متن رویدادها قرار دارند؛ اما در افغانستان مردم در طول تاریخ در حاشیه نگه داشته شده‌اند و مشارکت مردم در فرایندهای ملی کم‌رنگ بوده است. مشارکت مردم به ویژه در عرصه سیاسی در افغانستان یک پدیده نو است و هنوز هم به یک فرهنگ مبدل نشده است؛ اما احزاب سیاسی می‌توانند مردم را در یک مشارکت ملی و پایدار برای مبارزه با پدیده‌های مانع بر سر راه تحقق دموکراسی و کثرت‌گرایی و تحقق عدالت اجتماعی و سیاسی (انواع فساد، کشت و قاچاق مواد مخدر، حملات تروریستی، انواع خشونت و نقض حقوق بشری و...) مردم را همکاری کنند و افکار عمومی را علیه این پدیده‌های خطرناک بسیج سازند.

◆ حکمت‌الله میرزاده استاد تاریخ دانشگاه پروان

۴- افزایش شعور سیاسی، دانش و آگاهی عموم مردم: فرهنگ سیاسی کنونی در افغانستان محدود، غیر دموکراتیک و تبعه است. این ناشی از کمبود شعور سیاسی مردم است. دانش و آگاهی مردم است که موجب گردیده است عملکرد مردم در برابر عملکرد نظام سیاسی و رویدادهای مهم بیش‌تر احساسی و هنجاری باشد. این در حالی است دموکراسی در کشورهایی که سواد عمومی بیش‌تر است، بهتر می‌تواند ریشه دار گردد. احزاب سیاسی با موضع‌گیری‌های خود در پارلمان، رسانه‌ها و برگزاری سمینارها و اعتراض‌های مدنی می‌توانند شعور این مردم را افزایش دهند. همچنین احزاب می‌توانند نقش افشاگری داشته باشند.

بسیاری از مسایل پشت پرده را چه در گذشته و حال حاضر افشا نمایند تا آگاهی‌های مردم بیش‌تر گردد و هنگامی که دانش و آگاهی بیش‌تر شود بدون تردید نگرش‌ها و تحلیل‌ها نیز منطقی‌تر خواهد شد و این تأثیر مثبتی بر روی فرایندهای تصمیم‌گیری دارد.

۵- کمک برای دولت‌سازی و ملت‌سازی: از نظر حقوقی دولت سازمانی است که دارای جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت است. از این منظر تاکنون در افغانستان دولت وجود نداشته است. در حال حاضر هم عناصر بنیادی و سازنده دولت در افغانستان ناقص است. در واقع در افغانستان دولت واقعی وجود ندارد، چیزی به نام شبه‌دولت وجود دارد. همچنین در افغانستان، ملت وجود ندارد، ملیت‌ها وجود دارند. عوامل عینی مشترک مانند قوم، نژاد، زبان و مذهب را عناصر تشکیل‌دهنده ملت هستند. به هر حال، در زمینه دولت‌سازی، احزاب سیاسی می‌توانند از دولت انتقاد نمایند تا حدی که مطابق واقعیت‌ها باشد. احزاب سیاسی باید حاکمیت دولت را بپذیرند و با نظارت خود بر کارکردهای دولت اجازه ندهند که دولت از اصول قانون اساسی عدول کند و خود مطابق قانون اساسی کشور رفتار نمایند. در زمینه ملت‌سازی، احزاب سیاسی می‌توانند بر پیوندهای مشترک میان اقوام و ملیت‌ها در افغانستان که کم نیستند، تأکید ورزند. به عضو‌گیری از میان همه اعضای جامعه پردازند و از عواملی که موجب افزایش شکاف‌های اجتماعی می‌گردد خودداری ورزند.

در پایان باید گفت که احزاب سیاسی یک ابزار هستند و دموکراسی یک هدف است. از آن‌جایی که احزاب سیاسی ابزار هستند، این بسته‌گی به فرهنگ، شرایط و دید انسان‌ها دارد که از آن چگونه استفاده می‌کنند. احزاب اگر نقش مثبت در تحقق دموکراسی دارند، بیش‌تر از آن هم می‌توانند نقش منفی ایفا نمایند، که بررسی آن‌ها نیازمند یک نوشته جداگانه است.

جایگاه مردم در مذاکرات بین‌افغانی کجا است؟

◆ مریم بریالی تحلیل‌گر مسایل سیاسی

پس از توافق‌نامه دوحه میان طالبان و آمریکا، دولت افغانستان تلاش کرده است که موضع قدرتمندتری در روند صلح به دست آورد، چرا که تسلطش را در این روند از دست داده بود. از طرفی دیگر، به دلیل این‌که طالبان اعتماد به خودشان را نزد شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی تثبیت کرده‌اند و وارد بحثی پایپای با آمریکا شدند، توانستند اعتبارشان را در روند صلح افزایش دهند.

گواه تبعیض بزرگ در افغانستان است. این طرز تفکر به امری رایج در سیاست این کشور بدل شده است - طوری که گویا نخبه‌گان سیاسی بهتر از مردم می‌دانند چه چیزی به نفع مردم عام است. نماینده‌گان آمریکا نیز در حمایت از این رفتار هم‌دست بوده‌اند. علاوه بر این، نباید فراموش کرد که در هنگام دشوار، نخبه‌گان سیاسی از حقیقت‌های جامعه عوام منفصل هستند. این در حالی است که آن‌ها امکانات ترک کشور، در شرایطی که به نفع خودشان و یا خانواده‌شان نیست، خواه با تابعیت دوگانه و یا با داشتن ارتباطات لازم برای ترک افغانستان، را دارند. در این میان، مردم عوام افغانستان باقی مانده و مجبور به مطابق شدن با شرایطی هستند که هیچ نقشی در پدید آمدن آن نداشته‌اند.

هم‌زمان با فروکش بحران همه‌گیری ویروس کرونا در افغانستان و بازگشت شرایط زنده‌گی مردم به حالت «عادی» پرسیدن این سوال که مردم چه نوع صلح می‌خواهند و این صلح به چه شکلی باید باشد حیاتی است. افغان‌ها، از دهقان تا معلم و تاکسی‌ران، مردمی هستند که به شکل خاص نسبت به رویدادهای سیاسی آگاه هستند. آن‌ها در سرزمینی زنده‌گی کرده‌اند که از دیرباز تا کنون بازی‌های بزرگ سیاسی در ذهن جمعی‌شان نشانی و اثر گذاشته است. استفاده نکردن از مردم و جایگاه مشروعیت بخش آن‌ها برای تحکیم صلح در افغانستان می‌تواند شکستی برای تمامی شرکای روند صلح در این کشور باشد. صلح بدون نقش مردم نمی‌تواند یک صلح پایدار و فراگیر باشد.

قوم و یا اشخاص ثروت‌مند فرصت بیان دیدگاه‌ها و جایگاه‌شان در سوالات بنیادی صلح را دارند. نمونه بارز این گفته، حضور فرزندان جوان و کم‌تجربه عبدالرشید دوستم و عطامحمد نور به عنوان عضو تیم مذاکره‌کننده افغانستان در مذاکرات بین‌افغانی است. اگرچه هر دوی این چهره‌های سیاسی مدعی نماینده‌گی از اقوام ازبیک و تاجیک‌ها در شمال هستند، اما مشخص نیست که چه معیاری برای شایسته بودن فرزندان آن‌ها برای نماینده‌گی از دولت افغانستان و یا قومیت خودشان وجود دارد، جز روابط سیاسی و میراث‌های خانواده‌گی. از نظر عددی، نه دولت افغانستان و نه گروه طالبان، هیچ یک گروه بزرگی از مردم افغانستان را نماینده‌گی نمی‌کنند. گروه طالبان هیچ مکانیسمی برای رای‌گیری در ساختارش ندارد. از طرف دیگر دولت افغانستان در انتخابات گذشته ریاست جمهوری توانست تنها ۲.۲ میلیون نفر از مجموع ۹.۶ میلیون راجستر شده را از جمعیت ۳۵ میلیونی این کشور بسیج به رأی‌دهی کند. این حفره، توده‌ی انبوهی از مردم را از دولت جدا ساخته و هیچ نماینده‌ای برای این توده در روندی که سرنوشت و آینده آن‌ها را شکل می‌دهد، تعیین نکرده است.

نبود توجه و تلاش میان نخبه‌گان سیاسی در کابل، نماینده‌گان آمریکا و گروه طالبان برای تعیین مکانیسم‌های فراگیر درباره دیدگاه و موقف جامعه عوام افغانستان پیرامون سوالات بنیادین مانند نظام سیاسی و یا افزایش، کاهش یا تداوم نقش فعال زنان در عرصه‌های سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی،

طالبان از موضع قدرت وارد گفت‌وگو شوند. هر چند، با وجود تمامی مانورهای استراتژیک برای داشتن دست بالاتر در مذاکرات بین‌افغانی، مشکل اصلی هم‌چنان پابرجا است. با وجود این‌که اقدام اخیر رییس جمهور غنی در خصوص تشکیل لویه‌جرگه برای تعیین سرنوشت ۴۰۰ زندانی گروه طالبان که به جرم‌های سنگین محکوم شده بودند، گام مثبتی در راستای مذاکرات بین‌افغانی صلح است، اما لویه‌جرگه ساختاری است که عمدتاً از افراد اثرگذار و طبقه بالایی جامعه تشکیل شده که معیار انتخاب آن‌ها خدمت به جامعه یا میزان شایسته‌گی نبوده است. آن‌ها به دلیل سوابق خانواده‌گی، روابط سیاسی و ثروت‌گزینش شده‌اند. بنا بر این، با وجود این‌که برگزاری لویه‌جرگه برای جمع‌کردن بخشی از جامعه افغانستان ابزار خوبی است، اما برای ایجاد یک بستر متقابل برای افرادی که در طبقه پایین جامعه قرار دارند و تقریباً ۹۰ درصد جامعه را تشکیل می‌دهند و کماکان جز اقشار آسیب‌پذیر هستند، به ویژه در عصر و زمان حاضر، راهبرد سیاسی مناسب و کافی نیست و نیاز به ایجاد مکانیسم‌های فراگیر دارد.

این استدلال در خصوص احزاب سیاسی که مدعی نماینده‌گی از جامعه عوام افغانستان هستند نیز صدق می‌کند. نماینده‌گی سیاسی در افغانستان روی هویت قومی، و نه بالای طبقه‌بندی اجتماعی-سیاسی یا به صورت ایده‌آل، از ترکیب هر دو سازمان‌دهی شده است. در عین حال، احزاب سیاسی شکل میراثی و خانواده‌گی به خودشان گرفته‌اند. بنا بر این عمدتاً نخبه‌گان هر

صلح افغانستان روندی طولانی و دشوار بوده است. از آغاز غیر رسمی این روند در خلال سال‌های ۱۳۸۷/۱۳۸۶ تاکنون، مباحث متعدد و نقدونظرهای زیادی درباره آن مطرح شده است. با وجود بن‌بست‌های فراوان، تلاش‌های زیاد و مستمری برای اعتمادسازی میان دولت افغانستان، گروه طالبان و ایالات متحده انجام پذیرفت که سرانجام این تلاش‌ها در ماه دلو ۱۳۹۷ میان آمریکا و گروه طالبان به یک توافق‌نامه منتهی شد، توافق‌نامه‌ای که ثمره خوبی برای ایالات متحده در خاک افغانستان داشت اما دولت افغانستان را در حاشیه قرار داد.

پس از توافق‌نامه دوحه میان طالبان و آمریکا، دولت افغانستان تلاش کرده است که موضع قدرتمندتری در روند صلح به دست آورد، چرا که تسلطش را در این روند از دست داده بود. از طرفی دیگر، به دلیل این‌که طالبان اعتماد به خودشان را نزد شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی تثبیت کرده‌اند و وارد بحثی پایپای با آمریکا شدند، توانستند اعتبارشان را در روند صلح افزایش دهند.

با اجرای ماده‌های توافق شده میان آمریکا و گروه طالبان، در این میان دولت افغانستان با ایجاد تأخیر در روند رهایی زندانیان گروه طالبان، راهاندازی کارزاری بی‌سابقه برای تبلیغات علیه این گروه (چه بسا بسیار دیرهنگام) و با احیای ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) کهنه برای نمایش قدرت و کم‌رنگ‌کردن کاستی‌ها و فسادهای سیستماتیک، توانست دوباره خودش را در خلال همه‌گیری ویروس کرونا مطرح کند و در روند صلح تسلط به دست آورد. بدون شک، رییس جمهور غنی و مشاوران نزدیک او از تمامی ابزار در دسترس استفاده می‌کنند تا در این برهه حساس و حیاتی با

اهمیت اقتصادی سواحل آمو برای افغانستان و تاجیکستان

رییس جمهور تاجیکستان در ۲۹ اسد ۱۳۹۹ از مناطق مرزی در امتداد آمو دریا (دروازها) در مرز با افغانستان دیدار کرد که با استقبال گرم باشندگان ولسوالی شکی-درواز ولایت بدخشان افغانستان، روبه‌رو شد. بعد از آن که مردم درواز از رییس جمهور تاجیکستان خواستند در قسمت انرژی برق، آب آشامیدنی، خدمات مخابرات و دادوستدهای تجارتی با آنان همکاری کنند، امام‌علی رحمان وعده همکاری داد و گفت از مجاری رسمی و حکومتی حاضر است در عرصه‌های مزبور به مناطق محروم درواز همکاری کند. هم‌چنان اذعان داشت که پروژه‌های عمرانی در آن طرف مرز برای افغان‌ها و برای آبادی افغان‌ها نیز هست و با ساخت نیروگاه‌های تازه، برق بیش‌تر نیز به افغانستان انتقال می‌یابد.

بعد از آن که سفر رییس جمهور تاجیکستان و گفت‌وگوی وی با اهالی دروازا در رسانه‌ها انعکاس گسترده یافت، محمدحسین امیر سرپرست وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان، با آقای سراج‌الدین مه‌الدین وزیر امور خارجه جمهوری تاجیکستان از طریق تلفن صحبت و تبادل نظر کرد. بعد از آن امام‌علی رحمان با رییس جمهور غنی گفت‌وگوی تلفنی کرد و خواست یک سلسله همکاری‌ها و توافق‌های اقتصادی و تجارتی در سواحل آمو میان افغانستان و تاجیکستان صورت گیرد، از غنی خواست به دوشنبه سفر کند تا کابل با دوشنبه روی توسعه روابط گفت‌وگوی همه‌جانبه نمایند.

افغانستان و تاجیکستان در کنار فرهنگ، هویت، زبان و مرز مشترک، در دو دهه اخیر، قرارداد انرژی برق، توسعه ترانزیت و تجارت نیز به عناصر مهم رابطه میان این دو کشور بدل شده است. تاجیکستان با حدود یک هزار و ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک پس از پاکستان طولانی‌ترین مرز را با افغانستان دارد. مرز افغانستان و تاجیکستان در قرن نژده میان روسیه تزاری، بریتانیا و دولت آن زمان افغانستان مشخص شد. روابط این دو کشور همسایه و هم‌زبان در زمان حضور شوروی به اوج خو رسیده بود، اما بعد از جنگ‌های داخلی و حضور طالبان، روابط روزبه‌روز به تیره‌گی گرایید و تاجیک‌ها به دلایل فقدان امنیت مرزی، مناسبت‌ها و رفت‌وآمدها را با مردمان این سوی آمو کاهش دادند. در دو دهه اخیر روابط تجارتی و اقتصادی افغانستان

و تاجیکستان چند برابر رشد داشته است، اما روابط فرهنگی هنوز مکرر است و به صورت رسمی هیچ گونه مراددهای در عرصه فرهنگ، ادب و علم صورت نمی‌گیرد.

زنده‌گی ۲۰۰ هزار انسان در کرانه‌های آمو (درواز افغانستان) پر مشقت و فلاکت‌بار است، این که نام دیگر دروازا زندان سلیمان پیغمبر است سخن گزافه نیست، با وجود یک سلسله توسعه و تغییرات در ۱۹ سال پسین، هنوز پنج ولسوالی درواز (خواهان، کوف‌آب، شکی، نسی، مایمی) به ابتدایی‌ترین خدمات برای زنده‌ماندن دست‌رسی ندارند. از انرژی برق خبری نیست، کلینک و مکتب درست وجود ندارد، خدمات مخابراتی ندارند، جاده و راه‌ها مواصلاتی چهار فصل‌شان تأمین نیست و اکنون با ظهور گروه طالبان امنیت را هم از دست داده‌اند که گروه طالبان ۲۰۰ تن از دختران را چند روز قبل اجازه ندادند در امتحان کانکور سراسری شرکت ورزند. این که از رییس جمهور تاجیکستان درخواست همکاری کرده‌اند، نشان می‌دهد که به تنگ آمده‌اند و باربار حکومت مرکزی خواست و تمناهای آنان را بی‌پاسخ مانده است.

در این فرصت پیش آمده و تاریخی که دوشنبه خواهان روابط نیک و استراتژیک با کابل است، جانب افغانستان بایسته است که روی چند محور زیر با طرف تاجیکستان تفاهم‌نامه‌های همکاری را داشته باشد تا در کنار توسعه همکاری‌ها در سطح دو کشور، رونق و رفاهی در زنده‌گی مردم سواحل آمو (درواز) رخ بدهد.

رابطه اقتصادی و تجارتی

در سال‌های اخیر، حجم تجارت میان افغانستان و تاجیکستان چند برابر افزایش یافته است. ساختن پل‌های استراتژیک بر فراز رود خانه آمو در منطقه درواز، مردمان دو سوی آمو را با یک دیگر وصل کرده است و مبادلات تجاری دو کشور تا درجه‌ای متحول شده است. از سوی دیگر چندین قرارداد مهم مربوط به توسعه همکاری‌ها در زمینه انرژی میان دو کشور به امضا رسیده است. مهم‌ترین آن‌ها قرارداد ۵۰۰ میلیون دالری انتقال انرژی برق تاجیکستان به پاکستان از راه افغانستان است که یکی از مهم‌ترین پروژه‌های اتصال آسیای میانه به آسیای جنوبی از راه افغانستان است. اما در قسمت سواحل آمو که مردمان آن کرانه‌ها دچار

مشکلات و معضلات جدی هستند، هیچ قراردادی میان دو کشور وجود ندارد که اهالی آن منطقه را از بدبختی نجات دهد. در حال حاضر پنج ولسوالی درواز سه خواست مشخص دارند (برق، آب آشامیدنی، خدمات مخابرات) که با تفاهم‌نامه از مجاری رسمی تحقق یافتنی هستند. شرکت‌های مخابراتی افغانستان، تا اکنون حاضر نشده‌اند ۲۰۰ هزار جمعیت درواز را زیر پوشش خویش قرار دهند. شرکت‌های مخابراتی تاجیکستان قابل دست‌رس‌اند، اما اجازه و امکان استفاده را برای اتباع افغانستان نمی‌دهند. به طور مثال وقتی هر سیم‌کارت را غیر قانونی دو هزار تا سه هزار افغانی خریداری می‌کنند، بعد از یک مدت کوتاه از طرف شرکت مسدود می‌شود.

رابطه فرهنگی

همین طور که زبان فارسی دری که در افغانستان یکی از زبان‌های رسمی این کشور است، در تاجیکستان با نام فارسی تاجیکی زبان رسمی و ملی این کشور نیز است. تاجیکان افغانستان نیز به عنوان یکی از گروه‌های بزرگ قومی در کشورشان با تاجیکان تاجیکستان که اکثریت این کشور را تشکیل می‌دهند، هم‌نژاد و هم‌هویت می‌دانند. همواره در طول سالیان دراز، میان فرهنگیان و شاعران دو کشور همکاری‌های چشم‌گیری در سطح غیر رسمی وجود داشته اما هیچ گونه قرارداد رسمی در زمینه‌های فرهنگی بین دو کشور وجود ندارد. ظرفیت‌های زیادی برای همکاری فرهنگی میان دو کشور میسر است. اما وضعیت نابسامان فرهنگی در داخل افغانستان و نبود برنامه‌های در این زمینه موجب شده است روابط گسترده و قابل توجه در عرصه فرهنگ، هنر و ادب وجود نداشته باشد. بدون شک روابط تجارتی و سیاسی در کشورهایی که فرهنگ مشترک دارند، زمانی پایدار و مستحکم است که در ذیل روابط نیک و حسنه‌ی فرهنگی قرار داشته باشد. تاجیکان دو سوی آمو، از دوره‌های دور با هم مرادده، رفت‌وآمد، روابط خویشاوندی داشته‌اند، حالا وقت آن است برای احیا و بازسازی و بازاندیشی روابط کار شود و با کلید خوردن صمیمیت‌ها معاملات و برنامه‌های انکشافی و رفاهی برای اهالی دو سوی رود آمو نضج گیرد تا آنان با تنگ‌دستی و تاریکی خداحافظی کنند.

امنیت مرزی

از این که حکومت تاجیکستان خدمات مخابراتی‌اش را برای دروازی‌ها محدود می‌کند و از رفت‌وآمد هراس دارند، دلیل امنیتی دارد، آنان نگران تروریست‌ها و حضور طالبان در نواحی مرزی هستند که این گروه به خاک تاجیکستان رخنه کند، هم‌چنان قاچاق‌بران مواد مخدر همواره در مرز میان درواز افغانستان و تاجیکستان مشکل خلق می‌کنند که رابطه به تیره‌گی می‌گراید. از جهت دیگر با توجه به این که تاجیکستان به صورت سنتی بخشی از قلمرو تحت نفوذ روسیه به شمار می‌رود، حضور امریکا و ناتو مایه خوشحالی آن در منطقه نیست. اما کابل با همکاری‌ها امنیتی و مرزی، می‌تواند زمینه را برای همکاری‌های اقتصادی، تجارتی و ترانزیتی فراهم کند. بی‌تردید در نبود امنیت و اعتماد قوای سرحدی، هر گونه رابطه و تفاهم‌نامه شکننده و ناپایدار خواهد بود.

سخن پایانی

نظر به اشکالات مزبور، توسعه روابط تجارتی و ترانزیتی و انکشاف بازارچه‌ها در ولسوالی‌های درواز، باعث می‌شود مردم درواز محصولات‌شان را، مانند کچالو، چهارمغز، توت خشک، میوه خشک به بازار عرضه کنند و در ازای آن نیازمندی‌های خوراکی و پوشاکی‌شان را به دست آورند. نظر به این که مردم تاجیکستان در صنایع زینورداری، باغداری، ماهی‌پروری تجربه و مهارت بیش‌تر دارند، می‌توانند این مهارت‌های توسعه‌آور را به تاجیکان افغانستان انتقال دهند و زمینه‌ی رشد و توسعه بیش‌تر مهیا گردد. از سوی دیگر، با فراهم شدن انرژی برق صنایع کوچک و متوسط نیز رونق می‌گیرد و مردم به طرف خودکفایی حرکت می‌کنند. هم‌چنان دسترسی خدمات مخابرات موجب می‌گردد که ۲۰۰ هزار جمعیت درواز به انترنت وصل شوند و زمینه‌ی کسب علم و دانش بیش‌تر برای‌شان مساعد شود.

وقتی مردم به رفاهی نسبی و فعالیت‌های اقتصادی مشغول شوند، آهسته‌آهسته فعالیت‌های سیاه و قاچاق‌بری رنگ می‌بازد و امنیت و آرامش نیز به منطقه بر خواهد گشت. بسیاری از اعضای گروه طالبان در درواز، نوجوانان بی‌بضاعت و بی‌کار هستند که از سر فقر و تنگ‌دستی به صف دشمن پیوسته‌اند، حکومت با برنامه‌های انکشافی، همکاری‌های منطقه‌ای که افق‌های اقتصادی و رفاهی را باز می‌کند، باعث می‌شود صفوف دشمنان و ناراضیان کوتاه شود و مملکت در مسیر آبادی و صلح قرار گیرد.

اگر مبارز نشوید، شکست خواهید خورد

گفت‌وگوی شبکه‌ی جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر با دکتر محمد امین احمدی، رییس دانشگاه ابن سینا و عضو تیم مذاکره‌کننده‌ی صلح



آنان می‌توانند با تبدیل شدن به یک صدای قوی و مستقل اجتماعی، از حقوق‌شان دفاع کنند. تفکر مردانه‌خواندن جنگ و صلح که از سوی تعدادی مطرح شده است، با تبدیل شدن زنان به یک قدرت تغییر خواهد کرد؛ زیرا زنان اگر بخواهند می‌توانند با اتحاد و جدیت، نقش تعیین‌کننده‌ای در این موضوعات داشته باشند. شبکه: به نظر شما نگاه طالبان به زنان تغییر کرده است؟

احمدی: نگاه آنان به هیچ‌وجه تغییر نکرده است، با مراجعه به سخنرانی‌های اعضای رهبری طالبان در قطر، به خوبی می‌توان درک کرد که دید آنان به زنان هنوز مثل گذشته است، این نگاه پس از مذاکرات پیش

همین مبارزه می‌تواند پشتوانه‌ی قوی برای زنان تیم مذاکره‌کننده باشد، آنان موکلین مشخص‌تر و مبارزی خواهند داشت.

زنان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، نشست‌ها، تجمع‌ها و راه‌پیمایی‌ها می‌توانند اعتراض‌شان را به گوش دو طرف مذاکره برسانند، در این صورت مسلم است که اعضای تیم به شکل بهتری می‌توانند از آنان دفاع کنند، اما اگر چنین جنبشی برای مبارزه به وجود نیاید، این کار دشوار خواهد بود.

شبکه: چه کسانی باید این مبارزه را شکل دهند؟ احمدی: دانشجویان و استادان زن، فعالان زن، زنان خبرنگار، کارمند و معلم همه باید یک‌دست و یک‌صدا شوند و حقوق‌شان را به صورت واضح مطالبه کنند.

در میان نگرانی‌های زنان در مورد بی‌آمدهای میهم گفت‌وگوهای صلح، شماری به این باورند که اگر رویکرد زنان برای اعاده‌ی حقوق‌شان تغییر نکند و برای یک مبارزه‌ی واقعی اقدام نکنند، به اهداف‌شان نخواهند رسید.

امین احمدی، یکی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده‌ی صلح، در گفت‌وگویی با شبکه‌ی جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر (از این به بعد «شبکه») می‌گوید، چنان‌چه زنان افغان، به راهی که سال‌ها است انتخاب کرده‌اند، ادامه دهند، شکست خواهند خورد «زنان باید در روش‌هایی که در دوره‌ی پس از طالبان به کار گرفته‌اند تجدید نظر کنند؛ چون این‌گونه موفق نخواهند شد، آنان باید برای حقوق خود مبارزه کنند، در غیر این صورت شکست خواهند خورد.»

شبکه: برخی فعالان زن، تعداد کم نماینده‌گان زن در ترکیب هیأت راه دست‌کم گرفتن زنان و تلاش‌های آنان عنوان کرده‌اند، نظر شما چیست؟

احمدی: اول این که، دفاع از حقوق زنان تنها وظیفه‌ی زنان نیست، بلکه مردان نیز در این بخش مسوول‌اند. دوم این که، به باور من کمیت به اندازه‌ی کیفیت مهم نیست، اگر ده‌ها زن نماینده هم در این گروه باشند، اما نتوانند از حقوق زنان دفاع کنند، بی‌فایده خواهد بود. شبکه: به باور شما زنانی که در تیم هستند، توانایی نماینده‌گی از زنان را دارند؟

احمدی: تعهد این زنان بد نیست، اما آنچه توانایی آنان برای دفاع از حق زنان را بیش‌تر می‌کند، هم‌فکری با دیگر اعضای تیم و داشتن پشتوانه‌ی اجتماعی است.

شبکه: این پشتوانه‌ی اجتماعی از کجا می‌آید؟

احمدی: همان‌طور که در شروع بحث اشاره کردم، با تلاش زنان برای اعاده‌ی حقوق‌شان، توافق نظر آنان و تشکیل یک جنبش، نوعی مبارزه آغاز خواهد شد،

یادداشت: این مطلب توسط شبکه جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر تهیه شده است. روزنامه صبح، تنها مسوولیت چاپ و نشر آن را بر عهده دارد.



چراغ سبز حکومت به رهایی زندانیان طالبان؛ هیأت مذاکره کننده دولت در هفته روان به قطر می رود



حسب بهش

دو هفته پس از توقف روند رهایی زندانیان «خطرناک» گروه طالبان، حکومت می گوید این روند را دوباره آغاز می کند. مقامات با توجه به آغاز این روند در هفته روان، می گویند که احتمال دارد مذاکرات

بین الافغانی در روزهای آینده در قطر پی گیری شود. منابع آگاه از این روند نیز در گفت و گو با روزنامه ۸ صبح تایید می کنند که قرار است هیأت مذاکره کننده دولت در هفته روان به قطر سفر کند. هیأت های مذاکره کننده دو طرف، گفت و گوها را در قطر آغاز می کنند و این روند را در سایر کشورهایی که پیش تر برای میزبانی اعلام آماده گی کرده بودند، ادامه خواهند داد. در حال حاضر تنها ۸۰ زندانی از میان ۴۰۰ زندانی «خطرناک» طالبان از سوی حکومت آزاد شده اند. پیش تر، حکومت گفته بود که هیأت مذاکره کننده گروه طالبان تنها سه روز پس از تکمیل روند رهایی زندانیان شان، به میز مذاکره حاضر خواهند شد.

با توجه به توقف روند رهایی زندانیان باقی مانده گروه طالبان، روند صلح سردترین روزهایش را در جریان دو هفته اخیر پشت سر گذاشت. اکنون اما حکومت آماده شده است که این روند را سرعت بخشد. محمدحنیف اتمر، سرپرست وزارت امور خارجه روز پنجشنبه، ششم سنبله در گفت و گو آنلاین با انستیتوت صلح امریکا گفت که حکومت نسبت به هر زمان دیگر به آغاز مذاکرات بین الافغانی نزدیک شده است. وی ابراز خوش بینی کرد که یک گام بزرگ دیگر در هفته روان برداشته شود، زیرا به گفته وی، آخرین بن بست فرا راه زندانیان در حال دور شدن است و امید می رود که این روند به زودی تکمیل شود. به گفته آقای اتمر، حکومت به روند صلح و سازش سیاسی متعهد است و به همین دلیل، بیش تر مسوولیت ها و وعده هایش را پیش از پیش عملی کرده است تا این روند سرعت گیرد. آقای اتمر افزود که زندانیان باقی مانده گروه طالبان در



باید به رای مردم احترام کنند و بگذارند که نوعیت نظام توسط مردم انتخاب شود. گروه طالبان هر چند پیش تر به روزنامه ۸ صبح گفته بودند که به خواست مردم احترام می گذارند، اما در ادامه بارها به تحکیم «نظام اسلامی» تاکید کرده اند.

هم زمان با این، شورای عالی مصالحه نیز می گوید که احتمال دارد مذاکرات بین الافغانی میان هیأت مذاکره کننده حکومت و طالبان در جریان هفته روان آغاز شود. عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی روز پنجشنبه در مراسم رونمایی «دومین نظرسنجی صلح مردم افغانستان» ابراز امیدواری کرد که مذاکرات بین الافغانی در جریان هفته روان آغاز شود.

جریان روزهای آینده آزاد خواهند شد و بدین ترتیب، آخرین بهانه طالبان برای آغاز مذاکرات بین الافغانی برداشته می شود. سرپرست وزارت امور خارجه همچنان در ادامه گفت که هیأت مذاکره کننده حکومت برای آغاز گفت و گوها با گروه طالبان آماده است. با این حال، محمدحنیف اتمر با یادآوری برخی از موارد به عنوان اصول حکومت، تصریح کرد که دولت افغانستان باید به عنوان کشور مستقل و متعهد باقی بماند و تمامیت ارضی آن نیز حفظ شود. وی همچنان به دموکراسی مبتنی بر آرای مردم تاکید کرد و افزود که حقوق بشری، به ویژه حقوق زنان و اقلیت ها، باید تضمین شود. به گفته سرپرست وزارت امور خارجه، طالبان

محرم و قمه زنی؛

خون های که به زخمی های نیروهای امنیتی و نذرهایی که به سیلاب زده گان باید اهدا شود

احمدشاه کهزاد

بدل می شود، طوری که زخمی ساختن سر و صورت، نه سود دنیایی دارد و نه اجر اخروی. پیشنهاد من این است که خون هایی که به اثر قمه زنی و به نیت عزاداری به روی جاده ها ریخته می شود و پول هایی که خانواده های عزادار به نیت نذر و خیرات در نظر دارند در دو بخش ذیل کار گرفته شود:

۱. اهدای خون به زخمی های نیروهای امنیتی

عاشورا پیام آور صلح و عدالت است. عزاداران حسینی نباید از راه قمه زنی و زنجیرزنی خون های شان را در سرک ها و کوچه ها که در واقع در تضاد با مکتب عاشورا می باشد، بریزند. الزاماً عزاداران حسینی فارغ از قوم و مذهب در افغانستان که به جاده ها به منظور قمه زنی می ریزند، باید خون های شان در بانک های خون برای زخمی های نیروهای امنیتی و دفاعی که شب و روز در سنگر جنگ برای حفاظت از ما

و سلامت افغانستان با دشمن می جنگند اختصاص دهند. چون روزانه ده ها نیروی امنیتی از اثر زخم شدید و کمبود خون حیات شان را از دست می دهند و صدها فرد نیازمند به دلیل نادر بودن و گران بودن خون جان مریشان را در شفاخانه ها از دست می دهند. بنا بر این نیاز است که کمپین جمع آوری خون در ایام محرم راه اندازی گردد و تمامی عزاداران که داوطلبانه مایل اند خون دهند، بتوانند به بانک های خون مراجعه کنند. قطعاً اهدای خون به نیروهای امنیتی و دفاعی، کمترین کاری است که مردم ما و عزاداران می توانند در حمایت از آن ها انجام دهند.

۲. وقف نذر به آسیب دیده گان سیلاب در ولایات

پیام حادثه کربلا چیزی غیر از عشق و فداکاری نیست. لازم است که مفاهیمی چون از خودگذری،

وفاداری و ایثارگری، راه خود را عملاً در زنده گی ما باز کند. مردم افغانستان شریک درد و غم یکدیگر شوند و اکنون که ایام محرم است عزاداران حسینی نذورشان را به منظور رفع درد و رنج خانواده های آسیب دیده در ولایات سیلاب زده وقف کنند. اهدای چنین کمک ها از طرف خانواده ها شاید به تنهایی خود دردی کلاتی را مداوا نکند اما قطعاً ابراز حس همدردی و غم شریکی از سوی شهروندان می تواند مرهمی برای زخم عزیزی باشد که از زیر خروارهای خاک و چوب در روزهای اخیر سر بیرون آورده اند. لازم است مردم عام و خاصاً سرمایه داران و تاجران کشور هم گام با دولت در امر رسیدگی به آسیب دیده گان در ولایات نظیر پروان، ننگرهار، پنجشیر، میدان وردک و نقاط دیگر کشور سهمیم باشند.

جمع بندی

نیاز است در آینده از قمه زنی و تیغ زنی که یک عمل ناشایست است و باعث بدنامی جامعه اسلامی می شود و تصویر خشنی از مردم ما و کشورمان از خود به جا می گذارد و به همین منوال، موجب ایجاد ترس و وحشت میان مردم می گردد، جلوگیری گردد. خانواده ها، ملا امامان مساجد، رسانه های جمعی و بالاخره دولت باید در امر جلوگیری از عمل قمه زنی و تیغ زنی اقدام کنند. به جای عمل قمه زنی، جهت نهادینه سازی فرهنگ اهدای خون، کمپین سراسری در ایام محرم راه اندازی گردد تا عزاداران حسینی بتوانند برای زخمی های نیروهای امنیتی که برای ما در شرایط دشوار سینه سپر کرده اند، خون اهدا کنند و خانواده ها نیز نذرهای دهه محرم شان را به فقیرترین و محروم ترین قشر جامعه وقف کنند.



حوادث طبیعی؛ معلول علل طبیعی یا متافیزیکی [۱]؟

عبدالرشید فکرتبخشی

استاد دانشگاه کابل و دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی

تردیدی نیست که موجودیت شرور در عالم، انسان را واداشته است تا در مقاطعی مظاهر شر را بپرستد و با کرنش در برابر آن، به مصونیت خویش از آسیب شرور معتقد شود. به همین سان، مظاهر خیر نیز مورد پرستش بوده‌اند و انسان‌هایی گمان برده‌اند که می‌توان با پرستش مظاهری که عمدتاً خیر توصیف می‌شود مانند: خورشید، ماه، ستاره‌گان، برخی نباتات، حیوانات خاص و... منفعت آن‌ها را جلب و تضمین کرد. با این وجود، حضور شرور و خیرات در عالم همواره با شرک توأم نبوده و در مواقعی به خدائشناسی توحیدی نیز انجامیده است؛ کما این‌که، آگوست کنت فرانسوی از سه مرحله‌ی: (۱) ربانی، (۲) میتافیزیکی و (۳) علمی دین‌داری سخن رانده است. آگوست کنت، تعددباوری را ویژگی مرحله‌ی ربانی دینانت بشر می‌داند. وی معتقد است که در مرحله‌ی میتافیزیکی تصور پرستنده‌گان از مظاهر محسوس پدیده‌های طبیعی فراتر می‌رود و برخلاف مرحله‌ی اولی که همه چیز ذی‌روح دانسته می‌شد، به حضور نیرویی نامرئی و ماورای محسوسات - به عنوان قوه‌ی هدایت‌گر و جهت‌دهنده‌ی جهان - باورمندی وجود داشته است، تا این‌که مرحله‌ی علمی فرامی‌رسد و حوادث طبیعی با علل طبیعی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. ظهور فلسفه‌ی طبیعی و عطف توجه به علت فاعلی صرف را در توجیه و توضیح حوادث طبیعی می‌توان سرآغاز عصر علمی به حساب آورد که در آن فاعل شناسنده محوریت می‌یابد و روی‌دادهای طبیعی جز با علت‌های طبیعی آن مورد تفحص و بررسی قرار نمی‌گیرد.

دست‌آوردهای علمی جدید نشان می‌دهد که رخ‌دادهای طبیعی را می‌توان متکی بر روش‌های علمی توضیح داد و نیازی به علت‌های متافیزیکی در توجیه وقایع طبیعی وجود ندارد. به تعبیر دیگر، وقتی علت‌های طبیعی می‌توانند وقایع جهان را توضیح و ریشه‌یابی کنند، چه نیازی به دخالت علت‌های متافیزیکی در توجیه رویدادهای طبیعی خواهد بود؟ آیا علت‌های متافیزیکی در طول علت‌های طبیعی قرار دارند و یا در عرض آن‌ها؟ اگر علت‌های طبیعی و متافیزیکی در طول هم قرار داشته باشند، پس تعارضی نباید در میان باشد، در حالی که می‌توان مصادیقی را نشان داد که علت طبیعی و میتافیزیکی رویاروی هم‌دیگر ایستاده‌اند. در این صورت کدام یکی را باید ترجیح داد؟ این پرسش‌هایی از این دست را علم جدید فراروی دین‌داران می‌نهد تا دین‌داران پاسخی معقول و پذیرفتنی به دست دهند.

از دید نویسنده، علت‌های طبیعی و علت‌های متافیزیکی را نباید در تقابل و تعارض هم دید. این دو علت در طول هم قرار دارند و برای نیل به شناخت درست و معرفت فراگیر بایستی از تبیین جهان بر مبنای هر دو نوع علل بهره جست. تبیین‌های طبیعی نمی‌توانند موجب بی‌نیازی انسان از تبیین جهان بر مبنای علل متافیزیکی شود. تبیین‌های متافیزیکی با بُعد معنوی انسان نزدیک‌تر است و از قلمرو ذهن به ساحه قلب و معنویت ره می‌برد، در حالی که تبیین‌های طبیعی ممکن است در محدوده عقل و تجربه باقی بماند و روزنه‌ای به سوی قلب و جنبه‌های معنوی شناخت باز نکند. فی‌المثل، نظریه‌ی موج و ذره، و یا ماده و انرژی را که دست‌آوردی برای علم جدید دانسته می‌شود، نباید به معنای بی‌نیاز شدن آدمی از روی‌کردهای متافیزیکی به آن دو، دانست. کاری که علم می‌کند تجربه و تجزیه‌گری اشیا است. این‌که هوا امروز سرد است را باید با تجربه‌ی حسی درک کرد، و این‌که، یک مالیکول آب مرکب از دو هایدروجن و یک اکسیجن H_2O است، را می‌توان با تجزیه‌ی علمی به دست آورد؛ اما پاسخ به مسایلی مانند: آیا نظم حاکم بر ذرات نتیجه تصادف است و یا حکمت بالغه‌ی الهی؟ آیا تصادفی در جهان وجود دارد؟ اگر وجود دارد مکانیسم تعمیم آن در کجا است؟ مگر می‌شود نظمی را که با این‌همه دقت طراحی شده است، عبث و بی‌هوده انگاشت؟ ماده‌ی اولیه از کجا آمده است؟ و... بیرون از قلمرو علم است و باید با روی‌کردی متافیزیکی به آن پرداخت.

طولی بودن علل طبیعی و متافیزیکی بدین معناست که فی‌المثل: شفایافتن بیمار را هم به سبب ادویه، پرهیز، تشخیص درست و... دانست و هم نتیجه‌ی اراده‌ی الهی. این‌که حوادثی هم‌چون: سیلاب، زلزله، آتش‌فشان، بهمین و... دارای علل طبیعی‌اند نمی‌تواند به ساعت‌واره‌شدن جهان و نظم میکائیکی بی‌نیاز از ناظم بیانجامد. جهان اگر به تعبیر علامه سلجوقی هم‌چون ساعت کرونومتر نیز باشد - که هر حرکت آن قابل پیش‌بینی بوده و تابع نظم لایتغیری شناخته شود - نیاز به خالق دارد. میکائیکی شدن نظم حاکم بر جهان به لحاظ مابعدالطبیعی دو نتیجه‌ی ویران‌گر و غیرقابل جبران برای انسان داشته است که در مورد آن چنین آمده است:

سرانجام فلسفه‌ی طبیعی که در سایه‌ی رشد روزافزون علوم مبتنی بر تجربه مقبولیت تام یافته بود، دو نتیجه‌ی مابعدالطبیعی به بار آورد، یکی اصلت جبر و دیگری اصلت ماده. داده‌های علمی به ویژه تفسیر میکائیکی پدیده‌های طبیعی، واقعیت را به مثابه‌ی ماشینی بزرگ معرفی کرده بودند به گونه‌ای که حتا نفس و بدن انسان به جزئی از ضرورت میکائیکی بدل شده بود. براساس جبرانگاری، طبیعت دستگاهی خودبسند دانسته می‌شد که همه‌ی حوادث آینده‌اش به نحو لایتغیری طبق قوانین «ماده‌ی متحرک» تعیین شده است [۲].

با این حساب، علم جدید ناگوارترین اثری که بر انسان گذاشته است این بود که جبر الهیاتی آدمی را به جبر میکائیکی بدل ساخت و آدمی را موجودی در عرض سایر پدیده‌های طبیعی قرار داد. انسان در این نگاه، همچون پزه‌ای در نظم میکائیکی عالم عمل می‌کند و لذا، هیچ دخالتی در تکوین و هدایت رویدادهای واقع‌شده و واقع‌شونده‌ی عالم ندارد. نظریه‌ی میکائیکی عالم به آن قطعیتی که ظهور کرد، باقی نماند و بعدها فیزیک کوانتوم نشان داد که پیش‌بینی‌های علمی چیزی در حد احتمالات است و نمی‌توان حوادث آینده را به صورت حتم پیش‌بینی کرده و به نحو قطعی به آن باور داشت. این مسأله - احتمالی بودن پیش‌بینی‌های علمی - زمانی بود که علم به ناتوانی‌های خودش وقوف یافته و قطعیت‌نگری گذشته‌اش را نادرست می‌دانست. در نظریه‌ی میکائیکی همه‌چیز به طور حتم قابل پیش‌بینی تعریف شده بود و هیچ چیزی نمی‌توانست خارج از دایره‌ی مناسبات میکائیکی قرار داشته باشد. توجه یک‌جانبه به علت فاعلی باعث شد تا اومانیسیم [۳] جدید در مسند تیوکراسی [۴] قرون وسطی بنشیند و علت غایی کلامی جایش را به علت فاعلی فلسفی تهی کند. کاپلستون، یکی از تفاوت‌های بنیادین عصر جدید را با قرون وسطا این گونه آورده است:

به تعبیر دیگر، تقابل و اختلافی میان جهان‌بینی مابعدالطبیعی کلامی‌اندیشی که بر علّیت غایی تأکید می‌ورزیدند، و جهان‌بینی علمای علم طبیعت که در نظر آن‌ها علّیت فاعلی، متجلی در حرکت قابل اندازه‌گیری با اعداد و ارقام ریاضی، جانشین علّیت غایی می‌شود، مشاهده می‌کنیم [۵].

همین بود که انسان آرام‌آرام از حاشیه به مرکز آمد و سوژه (شناسنده) با ابژه (موضوع شناسایی) یگانه‌گی یافت. کناررفتن علت غایی از قلمرو پژوهش‌های فلسفی باعث شد تا طبیعت به صورت مستقلی موضوع شناسایی قرار گیرد و در ادامه به فلسفه‌ی طبیعی منتهی گردد. هرچند عبور از علت غایی به صوب علت فاعلی از گذشته‌ها آغاز شده بود، اما با ظهور رنه دکارت [۶] مبانی محکم و پایه‌های منسجمی پیدا کرد و نظریه‌ی میکائیکی جهان بر صدر تفکرات فلسفی تکیه زد. این وضع دوام یافت تا آن‌که لایبنتس دوباره علت غایی را در کنار علت فاعلی قرار داد و توجه به علت فاعلی صرف را در کار توضیح جهان ناکافی دانست. کما این‌که فروغی آورده است:

ولیکن دکارت با پیشینیان و مخصوصاً ارسطو و افلاطون یک اختلاف بزرگ داشت که از علل، فقط علت فاعلی را منظور می‌داشت و نظر در علت غایی را لازم نمی‌پنداشت، بلکه ممکن نمی‌دانست. لایبنتس صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com مدیرمسئول: معجب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com معاون مدیرمسئول: وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com خبرنگاران: خلیل اسیر، عبدالاحمد حسینی، علی‌شاه حتمل، حبیب بهش محمدحسین نیک‌خواه ویراستار: علی نظری، س.نوبین

در این‌جا با دکارت مخالف شده گفت: برای این‌که بتوانیم امور جهان را بیان کنیم به علت فاعلی نمی‌توان اکتفا کرد. باید نظر کنیم در این‌که فلان امر چرا چنین واقع شد و قسم دیگر واقع نشد با آن‌که ممکن بود بشود، زیرا ذهن ترجیح بدون مرتج را نمی‌پذیرد و هیچ چیز تا واجب نشود موجود نمی‌شود. لایبنتس در این تحقیق به همان چیزی رسید که افلاطون و ارسطو می‌گفتند که: هرچه واقع می‌شود برای رسیدن به کمال وجود است یعنی به بهترین وجهی که ممکن است و آن علت غایی او است [۷].

القصد، توجه یکسره به علت فاعلی و بی‌اعتنایی به علت غایی به این اعتقاد انجامید که جهان تابع نظم میکائیکی است و اشراف بر آن می‌تواند برای تبیین و نیز پیش‌گویی رخدادها کافی باشد. از نظر نویسنده، حوادث طبیعی نمی‌تواند دارای علت طبیعی صرف باشد. توضیح این حوادث بر اساس علل طبیعی صرف نابسند و ناکافی به نظر می‌آید و از این رو، می‌توان از علت غایی و میتافیزیکی یک‌چنین حوادثی نیز سخن گفت. علامه سلجوقی به نقل از اسپینوزا آورده است:

مردمی که نمی‌دانند، خیال می‌کنند هر وقت که نظم طبیعی در کار است، از سنت خداوند بی‌کار می‌شوند و وقتی خداوند به کار آغاز می‌کند باید طبیعت کار نکند [۸].

این روی‌کرد دایر بر رابطه‌ی طولی سنت تکوینی خداوند و حکمت ازلی اوست؛ کما این‌که، نمی‌توان فعال بودن قوانین طبیعی را به معنای بی‌نیاز بودن از اراده و مشیت الهی تلقی کرد؛ کما این‌که، هر یک از سنت و اراده‌ی الهی در طول هم قرار دارد و نهادن این دو رویاروی هم، به درک جامع و فراگیر از جهان نمی‌انجامد. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان گفت که خداوند در رخدادهای عالم هم به صورت مستقیم و هم به گونه‌ی غیرمستقیم دخالت دارد. دخالت مستقیم خداوند در جهان در حالت‌های خاص و فوق‌العاده است. قرآن کریم از تبدیل شدن بنی‌اسرائیل به بوزینه [بقره: ۶۵] تبدیل شدن عصای موسی به اژدها [شعرا: ۳۲] سرشدن آتش برای ابراهیم [انبیاء: ۶۹] هلاکت قوم عاد با تندبادهای طغیان‌گر و پر سروصدا [حاقه: ۶] و سایر حوادثی یاد می‌کند که حضور مستقیم اراده و قدرت خداوند را در کار جهان نشان می‌دهد. به همین سان، سنت‌های تکوینی‌ای نیز وجود دارد که قدرت و اراده‌ی الهی با واسطه‌ی آن‌ها عمل می‌کند و این سنن نیز آفریده‌ی خداوند اند. یکی از ویژه‌گی‌های چنین سنت‌هایی، تحول‌ناپذیری است [الفصح: ۲۳، اسراء: ۷۷، احزاب: ۶۲، فاطر: ۴۳] و از ای رو، قوانین

حاکم بر جهان که همان سنن تکوینی خداوند است که تغییر نمی‌پذیرد و در عوض، هر تغییری در جهان با توجه به قوانین طبیعی روی می‌دهد و این قوانین، کانال تحقق اراده‌ی الهی در کار جهان است.

با این توضیح، می‌توان میان دیدگاه اشاعره مبنی بر عمل‌کرد مستقیم قدرت و اراده‌ی الهی در جهان، و دیدگاه معتزله دایر بر کارکرد قدرت و اراده‌ی الهی با واسطه‌ی سنن و قوانین طبیعی تلفیق ایجاد کرد. جهان در حالت عادی تحت چتر قوانین طبیعی استمرار دارد و دیدگاه معتزله در این قسمت مقرون صواب است. اما در حالت‌های خاص و استثنایی، استمرار نظم طبیعی منقطع می‌شود و نظم موجود به صورت غیرمنتظره و معجز‌آسایی دگرگون می‌شود که می‌توان آن را اثر دخالت مستقیم اراده‌ی الهی دانست.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم
- محمد محمد رضایی و دیگران: ۱۳۸۸ هـ ش، جستارهایی در کلام جدید، چاپ دوم (ایران: تهران-سمت)
 - کاپلستون، فردریک: ۱۳۸۹ هـ ش، تاریخ فلسفه، ترجمه: غلامرضا اعوانی، ج ۴، چاپ سوم (ایران: تهران-شرکت انتشارات علمی و فرهنگی)
 - محمد علی فروغی: ۱۳۸۸ هـ ش، سیر حکمت در اروپا، چاپ پنجم (ایران: انتشارات زوار)
 - صلاح‌الدین سلجوقی: ۱۳۸۷ هـ ش، تجلی خدا در آفاق و انفس، چاپ سوم (ایران: تهران-محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی)

[۱] البته متافیزیک در این نبشته مرادف فراتجربی یا دینی به کار رفته است.

[۲] محمد محمد رضایی و دیگران: ۱۳۸۸ هـ ش، جستارهایی در کلام جدید، ص ۳۰۷، چاپ دوم (ایران: تهران-سمت)

[۳] Humanism

[۴] Theocracy

[۵] کاپلستون، فردریک: ۱۳۸۹ هـ ش، تاریخ فلسفه، ترجمه: غلامرضا اعوانی، ج ۴، ص ۲۰، چاپ سوم (ایران: تهران-شرکت انتشارات علمی و فرهنگی)

[۶] Rene Descartes

[۷] محمد علی فروغی: ۱۳۸۸ هـ ش، سیر حکمت در اروپا، ص ۳۰۳، چاپ پنجم (ایران: انتشارات زوار)

[۸] صلاح‌الدین سلجوقی: ۱۳۸۷ هـ ش، تجلی خدا در آفاق و انفس، ص ۲۴۷، چاپ سوم (ایران: تهران-محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی)

دفاعستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان

دکتره‌نی، اوبولگولو و مالمداری وزارت
وزارت زراعت، آبساری و مالمداری

شرکت دولتی تخم‌های بذری
مدیریت عمومی اداری و منابع بشری
مدیر خدمات

«اطلاعیه تصمیم اعطای قرار داد»

بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که شرکت دولتی تخم‌های بذری در نظر دارد تا پروژه تدارک و خریداری ۶۰۰۰۰ تخته بوری پلاستیکی ۵۰ کیلویی و ۶۰۰۰ کیلو گرام ادویه بی تیرام تحت دو لات، را تحت داوطلبی باز داخلی با کود نمبر MAIL/SOSC/NCB/G 01/99Rebid به شرکت تجارته زمین شیرین دارای جواز نمبر (۴۷۸۱۷)، لات اول را به قیمت مجموعی مبلغ ۱۰,۷۹۹,۴۰۰ (یک میلیون و هفتاد و نه هزار و چهار صد افغانی) و مجموع ولات دوم را به قیمت مجموعی مبلغ ۱,۷۱۰,۰۰۰ (یک میلیون و هفت صد و ده هزار افغانی) و مجموع هردو لات را به قیمت مجموعی مبلغ ۲,۷۸۹,۴۰۰ (دو میلیون و هفت صد و هشتاد و نه هزار و چهار صد افغانی) اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به مدیریت خدمات، آمریت اداری و منابع بشری شرکت واقع بادام باغ کابل، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل میعاد فوق الذکر وطی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.



روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:
Mujib Mehrdad
mujib_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

صفحه آرایی: رضا مرادی و عبدالواسع
مسئول رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت
ویدیو: حسن آذرهمر
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان
صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسئول: معجب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com
معاون مدیرمسئول: وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com
خبرنگاران: خلیل اسیر، عبدالاحمد حسینی، علی‌شاه حتمل، حبیب بهش محمدحسین نیک‌خواه
ویراستار: علی نظری، س.نوبین

حساب جاری برای انجو ها

غزیری بانک معقول ویزه ی را برای انجوها با طیف وسیع امتیازات طراحی نموده است. هدف طراحی حساب جاری انجوها داشتن سیستم چنانچه برای معاملات انجوها خدمات عالی و ممتاز و همچنان مدیر ارتباطی برای مدیریت بهتر ارتباطات با این سکونر عمده میباشد. حساب مذکور به چهار نوع اسعار: افغانی، اندر، یورو و پوند انگلیسی افتتاح میشود. برای معلومات بیشتر به شماره 1515/0093791801515 به تماس شوید و یا هم به نزدیکترین نمایندگی غزیری بانک مراجعه کنید.

www.azizibank.af 1515



شینزو آبه استعفایش را رسماً اعلام کرد



به گزارش بی بی سی، شینزو آبه، نخست وزیر جاپان اعلام کرد که به علت وخیم شدن وضعیت بیماری اش از سمت خود کناره گیری می کند. آقای آبه گفته است که نمی خواهد بیماری جلو انجام وظایفش به عنوان نخست وزیر را بگیرد. وی از مردم جاپان بابت عدم ادامه نخست وزیری تا پایان دوره اش عذرخواهی کرد.

آقای آبه سالها است که به بیماری کولیت زخمی مبتلا است و به گفته وی در سالهای اخیر وضعیت بیماری اش وخیم تر شده است.

کولیت زخمی فرمی از بیماری التهابی روده است که روده ها به خصوص روده بزرگ را درگیر می کند و هنوز علت اصلی این بیماری در جهان ناشناخته است.

سال گذشته آقای آبه به رکورد طولانی ترین فردی که مقام نخست وزیری جاپان را به طور متناوب در اختیار دارد، رسید. وی از سال ۲۰۱۲ نخست وزیر جاپان است.

وی تا تعیین جانشین به عنوان نخست وزیر به فعالیت هایش ادامه می دهد.

آبه در سال ۲۰۰۷ نیز پس از رسیدن به نخست وزیری از این مقام به دلیل ابتلا به کولیت زخمی استعفا داده بود.

ان اچ کی، سازمان ملی رادیو تلویزیونی جاپان گفته است که آقای آبه ۶۵ ساله خواسته است که با استعفایش برای دولت مشکلی ایجاد نکند.

آقای آبه از زمان نوجوانی به این بیماری دچار شده و در هفته گذشته به دو بیمارستان مراجعه کرده بود و با این که دلیل این مراجعه ها به صورت علنی اعلام نگردید اما یکی از آن ها هشت ساعت به طول انجامید.

وی روز جمعه در کنفرانس خبری گفت که از اواسط جولای بیماری کولیت او دوباره فعال شده و سلامتی وی رو به کاهش است.

آقای آبه گفت در حال حاضر درمان جدیدی را آغاز کرده که نیاز دارد تا به صورت مداوم تحت نظر باشد و به او اجازه نمی دهد تا وظایفش را به عنوان نخست وزیر انجام دهد.

نخست وزیر جاپان گفت که نمی تواند اجازه دهد تا در تصمیم گیری های مهم خطایی به وجود بیاید و به همین دلیل از مقام خود کناره گیری می کند. وی گفت: «بر همین اساس من تصمیم گرفتم که نباید دیگر به عنوان نخست وزیر کار خودم را ادامه دهم.»

شینزو آبه تا سپتامبر سال آینده میلادی به عنوان نخست وزیر جاپان انتخاب شده بود.

پیش از این مقامات حزب لیبرال دموکرات جاپان، کناره گیری وی را تکذیب کرده بودند و گفتند که آقای آبه در سلامت کامل به سر می برد.

در حال حاضر حزب لیبرال دموکرات باید در فرایند یک انتخابات، رئیس جدیدی را برای حزب خود انتخاب کند.

پس از آن هم پارلمان جاپان باید رای به انتخاب یک نخست وزیر جدید بدهد.

فردی که جایگزین آقای آبه می شود تا سپتامبر ۲۰۲۱ در این مقام خواهد بود.

سخنرانی ترمپ در کنوانسیون جمهوری خواهان؛ «باید نماینده مارکسیست ها است»



به گزارش یورونیوز، دونالد ترمپ هم زمان با پذیرش نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ از سوی حزب جمهوری خواه، رقیبش جو بایدن را به خیانت متهم کرد و گفت که دموکرات ها در صورت پیروزی در ماه نوامبر، «رویای امریکایی» را نابود می کنند. آقای ترمپ در روز پایانی کنوانسیون ملی حزب جمهوری خواه با سخنرانی از کاخ سفید، جو بایدن را به نمایندگی «مارکسیست ها» و «چپ رادیکال» متهم کرد و به شهروندان این کشور نسبت به عواقب احتمال پیروزی وی هشدار داد.

انتقادهای تند و تیز نامزدهای دو حزب اصلی ایالات متحده علیه یکدیگر در حالی بالا می گیرد که به نظر می رسد شیوع مرگبار ویروس کرونا، تنش های نژادی و اخیراً طوفان لورا، حساسیت افکار عمومی شهروندان این کشور نسبت به سیاست را به شدت بالا برده است.

آقای ترمپ در جریان سخنرانی پذیرش رسمی کاندیداتوری حزب جمهوری خواه گفت: «در صورت به قدرت رسیدن بایدن، هیچ کس امنیت نخواهد داشت.» او رقیبش را متهم کرد که از زمان ورود به سیاست در ۴۳ سال گذشته «در طرف بد تاریخ» جای داشته و عمل کردش آمیزه ای از «خیانت و اشتباه» بوده است.

سخنرانی ۷۰ دقیقه ای دونالد ترمپ البته به انتقاد از جو بایدن محدود نماند؛ رییس جمهوری ایالات متحده از عمل کرد خود در سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده، از جمله تلاش برای مبارزه با ویروس کرونا، رشد اقتصادی، خروج از برجام و کشتن قاسم سلیمانی حمایت کرد.

آقای ترمپ که به دلیل چگونگی مدیریت مبارزه با شیوع

ویروس کرونا به شدت مورد انتقاد قرار دارد، با وعده تولید واکسن در آینده نزدیک گفت: «ما قبل از پایان سال، یا حتی پیش از آن واکسن را می سازیم و ویروس را شکست می دهیم و همه گیری به پایان می رسد.» این سخنان در حالی عنوان می شود که ترمپ پیش تر گفته بود که تنها یک معجزه می تواند به شیوع بیماری کووید-۱۹ پایان دهد. نتایج یک نظرسنجی نشان می دهد که ۲/۵۸ درصد شهروندان ایالات متحده از عمل کرد دولت دونالد ترمپ در رویارویی با شیوع ویروس کرونا ناراضی هستند. بیماری کووید-۱۹ تا کنون جان بیش از ۱۸۰ هزار نفر را در این کشور گرفته است.

در حالی که بسیاری از نظرسنجی ها نشانگر عقب بودن آقای ترمپ از جو بایدن است، رئیس جمهوری ایالات متحده با استناد به انتخابات سال ۲۰۱۶ به آمار پژوهش های افکار عمومی حمله کرد و گفت: «آن ها به من حمله می کنند چون من برای شما آمردم مبارزه می کنم.»

فارغ از محتوای سخنرانی پذیرش نامزدی، شکل و شمایل آن هم به شدت مورد انتقاد مخالفان دونالد ترمپ قرار گرفته است. خبرگزاری فرانسه نوشته است: «کاخ سفید در برنامه های بی سابقه به محل میتینگ سیاسی جمهوری خواهان تبدیل شد. چوکی هایی با روکش های سفید برای پذیرایی از حدود یک هزار نفر در برابر دو نمایش گر غول آسا چیده شده بودند. مهمانان معیارهای فاصله گذاری را نادیده گرفته و شمار کمی از آن ها ماسک زده بودند.»

انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده سوم ماه نوامبر برگزار می شود.

چین هزاران نفر را در ارتباط با «جرایم مربوط به کرونا» بازداشت کرد

به گزارش یورونیوز، دادستانی چین اعلام کرد که از ماه جنوری تا امروز حدود پنج هزار و ۸۰۰ نفر را در ارتباط با جرایم مربوط به کرونا بازداشت کرده است. از جمله اتهاماتی که به برخی از افراد وارد شده قتل پزشکان و کارکنان بیمارستانی، فروش تجهیزات پزشکی تقلبی و دروغ در مورد تاریخ سفر عنوان شده است.

یکی از موارد از این دست مربوط به مردی است که شهروند دیگر چینی را به دلیل نداشتن ماسک در سوپرمارکت مورد ضرب و شتم قرار داده است.

همچنین دادستانی مردی را تحت تعقیب قرار داده که با موتر کارکنان بخش های بهداشتی را تعقیب و آنها را زیر می گرفته است.

مورد بی سابقه دیگر، فردی است که در جریان تعیین درجه حرارت بدن از سوی یک کارمند بیمارستانی، وی را کاردآجین کرده است.

برخی نیز متهم به اختلاس پول جمع آوری شده از کمک های مالی برای کمک به بیماران مبتلا به کرونا هستند.

کانون اصلی شیوع ویروس کرونا شهر ووهان چین است. بیجینگ متهم است که تاریخ شیوع ویروس کرونا را به درستی اعلام نکرده است.

چین برای کنترل شیوع ویروس کرونا تدابیر ویژه و سخت گیرانه ای اتخاذ کرد تا جایی که آخرین آمار رسمی نشان می دهد در روزهای گذشته این کشور هیچ موردی از ابتلا ثبت نشده است.



افزایش محدودیت های کرونایی در پایتخت کوریای جنوبی

شیوع کرونا در این کشور جلوگیری کند. با این حال در هفته های گذشته آمار ابتلا در این کشور بار دیگر جهش داشته است، جهشی که بیش از همه به کلیساهای پروتستان و اجتماعات آن ها نسبت داده می شود.

جمعه با ۳۷۱ مورد جدید از ابتلا به ویروس کرونا پانزدهمین روزی است که آمار مبتلایان در سئول، پایتخت، سه رقمی افزایش یافته است. کوریای جنوبی نخستین کشوری بود که از همان ابتدا با انجام تست فراوان و ردگیری مبتلایان توانست از

به گزارش رادیو فردا، مقامات کوریای جنوبی روز جمعه اعلام کردند که در پی افزایش مدام ابتلا به ویروس کرونا در چند روز اخیر محدودیت های مربوط به این بیماری در منطقه پایتخت این کشور افزایش می یابد.

